

نبرد خلق

مرگ بر رژیم خمینی
زنده باد صلح و آزادی

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

ارگان
سازمان چریک های فدایی خلق ایران

شماره ۱۰۵

دوره چهارم سال دهم - اول اسفندماه ۱۳۷۲

صفحه ۱۲

سرنگونی رژیم و ضرورت دولت موقت

۳- طرح های شورا، طرح زنان

در شماره های گذشته نبرد خلق پیرامون ضرورت تشکیل «دولت موقت» پس از سرنگونی رژیم و نیز ضرورت ایجاد شرایط دمکراتیک برای انتقال قدرت به مردم توضیحاتی داده شد. در دومتله قبلی گفتیم که اگر یک نیرویی برای سرنگونی رژیم و استقرار دمکراسی و جمهوری مروج بطور جدی مبارزه می کند، باید برای دوران انتقال مبادرت به ایجاد یک دولت موقت نماید. توضیح دادم که اصل مهم در این رابطه موقت بودن این دولت و وظیفه اصلی آن برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان است. همچنین به ضرورت ایجاد شرایط دمکراتیک و اعتقاد شورای ملی مقاومت ایران به این امر حیاتی که بارها چه در اسناد آن وجه در مواضع مسئول شورادان تأکید شده، پرداختیم. در این شماره به بررسی کلی طرح های شورای ملی مقاومت ایران خواهیم پرداخت. شورای ملی مقاومت ایران در ابتدایه ابتکار سازمان مجاهدین خلق ایران و در ائتلاف با اولین رئیس جمهور رژیم جمهوری اسلامی شکل گرفت. اولین سند این شورا، میثاقی بود که توسط بنی صدر بعنوان رئیس جمهور دوران انتقال اعلام شد. اما سند میثاق نه خصلت برنامه ای داشت و نه به موارد مشخصی که باید پس از سرنگونی رژیم بدان در صفحه ۲

دیدارهای رئیس جمهور دوران انتقال

خانم مریم رجوی

روز ۲۹ دی ماه ۱۳۷۲ سه تن از نمایندگان مجلس ملی فرانسه از حزب جمهوری خواه در محل اقامت خانم مریم رجوی، بایشان دیدار و گفتگو نمودند. خانم فرانسواز هستالیه و آقایان پیرفاور و ایوبدنه، نمایندگان مجلس ملی فرانسه در این دیدار ضمن اظهار خوشحالی از حضور خانم مریم رجوی در فرانسه تأکید کردند که ما مبارزه شما برای استقرار دمکراسی در کشورتان را عمیقاً تحسین می کنیم و به اعتقاد ما فرانسه بایستی از مقاومت ایران در برابر رژیم تروریستی خمینی حمایت کند. همچنین روز ۱۱ بهمن ۷۲ آقای آنتونی کومبز، نماینده پارلمان انگلستان از حزب محافظه کار و دبیر گروه حقوق بشر در مجلس عوام انگلیس بارتیس جمهور آینده ایران دیدار و گفتگو نمود. در این ملاقات آقای کومبز تأکیدات مقاومت ایران بر لزوم استقرار دمکراسی و برگزاری انتخابات آزاد و حاکمیت قانون را حائز اهمیت بسیار دانست. خانم مریم رجوی ضمن تشکر از حمایت آقای آنتونی کومبز از مبارزه مردم ایران علیه رژیم خمینی تأکید نمود که مقاومت ایران در نقطه مقابل خمینی و بقایای او همواره بر آزادی کامل بیان و عقیده و برخورداری کلیه آحاد مردم ایران اعم از زن یا مرد یا اقلیت های مذهبی و قومی، از حقوق برابر فردی و اجتماعی تأکید کرده است.

بیانیه سازمان چریک های فدایی خلق ایران
به مناسبت ۱۹ بهمن بیست
وسومین سالگرد دستاویز سیاهکل
در صفحه ۱۰

شرکت هیات مقاومت ایران در دومین
کنگره حزب احیای کمونیستی ایتالیا

قطبنامه کنگره حزب احیای
کمونیستی ایتالیا درباره ایران

دیدار با معاون مسئول روابط بین المللی
حزب دمکراتیک چپ ایتالیا

دیدار با نماینده جبهه ساندینیست
در صفحه ۲

شلیک به رفسنجانی و تظاهرات دلیرانه مردم زاهدان

در صفحه ۱۲

مانورهای ارتش آزادیبخش ملی ایران
امیدایران و فروغ آزادی - ۹۴
در صفحه ۱۰

((تو دیده ها، اضطراب ها و تقد))

در صفحه ۶

در این شماره:

- * پنج سال پس از فتوا
- * اطلاعیه سازمان چریک های فدایی خلق ایران - کمیته امریکا و کانادا
- * طرح شورای ملی مقاومت ایران درباره آزادی ها و حقوق زنان
- * تغییر مسئولین - عقب نشینی رفسنجانی
- * شورای ملی مقاومت سوء قصد تروریستی علیه مخالف ایرانی در سوئد را شدیداً محکوم می کند
- * ترجمه از لیبراسیون فرانسه
- * شهید عالیقدر کشیش هوسپیان مهر
- * شبانه - احمد شاملو
- * دیدگاه های خانم مریم رجوی در مصاحبه با اکسپرسن
- * برخی رو ساد های تاریخی
- * شهدای فدایی

درگرامیداشت ۸ مارس روز بین المللی زنان مرور مختصری بر مبارزه زنان در ایران

از ستانه انقلاب مشروطه، زنان ایران در کنار مردان در جنبش های عدالت طلبانه و ضد فئودالی شرکت داشتند و گرچه فاقد جنبش مستقل برای کسب حقوق خود بوده اند، اما در اشکال مختلف، علیه قوانین و قید و بند های ارتجاعی که عموماً رنگ و لعاب مذهبی داشت، شوریده اند. مبارزه زنان تادوران انقلاب مشروطه، مبارزه برای ادامه تحصیل، و مقابله با قید و بند های اجتماعی بود. قره العین شاعروسخن ورتوانا که در سازماندهی شورش علیه نظام حاکم نقش داشت در پایان قرن گذشته اعدام گردید. وی اولین زنی بود که بدون حجاب در یک اجتماع بزرگ شرکت کرد. در آستانه انقلاب مشروطه، مسأله زنان مورد توجه بیشتری قرار گرفت. در این شرایط توجه به حقوق دمکراتیک زنان و رفع تحقیر تاریخی آنان، یکی

از مظاهر ترقی و تجدید در میان روشنفکران ایران گردید. در انقلاب مشروطیت زنان همراه با مردان در سازماندهی حرکت های اعتراضی نقش داشتند. برای نمونه می توان از خانم ده باشی زینب، از همراهان و همزمان سردار ملی ستارخان، و با از خانم طوبی آزموده که برای بالابردن سطح فرهنگی و علمی زنان کوشش فراوان کرد، نام برد. در آن دوران زنان آگاه، انجمن ها و اتحادیه هایی تشکیل داده و نشریاتی منتشر می کردند و با اهمیت و حضور خود در سطح جامعه، سبب رشد آگاهی زنان می شوند. در پی شکست انقلاب مشروطیت، جنبش زنان مجبوره عقب نشینی شد و خواسته های دمکراتیک جنبش مشروطه در مورد زنان ناکام ماند. رضاشاه با زور اقدام به رفع در صفحه ۴

هر چه گسترده تر با مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

سرنگونی رژیم و ضرورت دولت موقت
از صفحہ ۱

پرداخته شود، صریحاً اشاره شده بود. در ۲۷ مهر ۱۳۶۰، مسئول شوراب برنامه دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران راکه ضمناً بنی صدر نیز بعنوان رئیس جمهور آن را امضا کرد، اعلام نمود. در مقدمه این برنامه آقای مسعود رجوی ضمن انتقاد از این که در اعلام برنامه تأخیر شده اعلام نمود که «به هرحال ضمن انتقاد و پیوستن از بی توجهی که شخصاً در تقدیم هر چه سریع تر برنامه داشته ام و باتشکراز همه تذکرات و انتقادات، برنامه ضمیمه را (که بالهام و مطالعه اغلب برنامه های نیروهای مبارز و ترقی خواه تهیه شده) بدین وسیله به استحضار عموم می رسانم، نارسایی ها و نقایص این برنامه نیز در آینده بانظر شوراقابل بررسی و تصحیح است.» این برنامه شامل سه فصل و در هر فصل به مسائل متعددی پرداخته شده است. فصل اول که در اسفند ۱۳۶۰ با اسناد سه گانه تکمیل شد، به «وضعیت موقت و وظیفه اساسی دوران انتقال» پرداخته شده و شامل ۸ بند است. البته پس از اسفند ۱۳۶۰ به دنبال بنیاد اول آن سه ماده الحاقی الف، ب و ج از اسناد سه گانه شورا اضافه می شود. فصل دوم این برنامه، تحت عنوان «برنامه مرحله دولت موقت» به طرح دیدگاه های کلی دولت موقت پرداخته شده و شامل ۹ قسمت است. فصل سوم برنامه دولت موقت به مواد برنامه در ۱۲ قسمت پرداخته شده است. این بختی تکمیل شده برنامه ای است که آقای مسعود رجوی برای کاندید شدن در اولین انتخابات ریاست جمهوری بعد از انقلاب اعلام نمود. در این فصل به مسأله «استقلال، آزادی، شوراها و مردمی، تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی کلیه افراد ملت ایران، حقوق ملیت ها، ارتش جمهوری دمکراتیک اسلامی، سیاست ارضی و مسائل روستایی، حقوق کارگران، آموزش، تحصیلات عالی و فرهنگ، برابری سیاسی اجتماعی زن و مرد، نامین و رفاه اجتماعی و سیاست خارجی» پرداخته شده است. یکی از مسائلی که در رابطه با این برنامه باید گفت اینست که تلفیق مواد برنامه ای همراه با توضیحات، از خصلت برنامه ای آن کاسته است. زیرا اجزاء تشکیل دهنده یک ائتلاف سیاسی در حالی که می توانند روی مواد مشخصی از برنامه توافق کامل داشته باشند، اما مسلماً هر یک در توضیح مواد این برنامه به شیوه ای و بر اساس دیدگاه های سیاسی و ایدئولوژیک خود، برخورد خواهند کرد. بانوجه به چنین مواد و بانوجه به اینکه مسئول شورادرمقدمه برنامه متذکر شده بود که «نارسایی ها و نقایص این برنامه نیز در آینده بانظر شورا قابل بررسی و تصحیح است»، اولین اجلاس شورای ملی مقاومت در بهمن و اسفند ۱۳۶۰، پس از دو ماه بحث و بررسی، به تصویب سه سند اساسی پرداخت. این سه سند دارای صراحت و قاطعیت و به همین جهت خصلت برنامه دارد. در این سه سند، به وظایف مبرم دولت موقت، اساسنامه شوراه و وظیفه اساسی دوران انتقال پرداخته می شود. در واقع با این

سه سند مبنای کلی برنامه ای و اساسنامه ای و شوراکامل می شود. با این حال بنا به کلی بودن این سه سند، شورای ملی مقاومت طی دوران حیات خود به ضرورت برخورد مشخص تری با بعضی از مهم ترین مسائل جامعه ایران می رسد. در این رابطه دو مسأله صلح و دمکراسی از اهمیت اساسی برخوردار است. در آن شرایط که رژیم خمینی با ادامه جنگ ارتجاعی و ضد میهنی ایران و عراق، جامعه مارا به ویرانی سوق می داد، شورای ملی مقاومت ایران پرچمدار صلح گردید و با ارائه «طرح صلح» در ۲۲ اسفند سال ۶۱ به یک مبارزه قاطع و همه جانبه علیه جنگ و برای صلح مبارزت وزید. این طرح و مبارزه سیاسی شورای پرامون آن، مورد توجه و تأیید مردم ایران، افکار عمومی جهان، احزاب و نیروهای سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف قرار گرفت و سرانجام رژیم راجمبوریه قبول قطع جنگ نمود. اما طبیعی است که هنوز صلح بین ایران و عراق صورت نگرفته و مسلماً صلح قطعی با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تحقق خواهد یافت. ماده ۷ طرح شوراصلح قطعی را اینگونه اعلام نموده است: «تنظیم قرارداد قطعی صلح بین دو کشور، بر مبنای احترام کامل به حاکمیت و استقلال ملی، تمامیت ارضی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، حسن همجواری و مصونیت مرزها از تجاوز» بدین ترتیب شورای ملی مقاومت در رابطه با این مسأله حیاتی بر اساس منافع ملی مردم ایران، یستی بینی لازم رانموده است. اما در مورد آزادی، شورابه سه مسأله حیاتی جامعه ایران پرداخته است: تبعیض جنسی، تبعیض ملی و تبعیض مذهبی و بر این اساس به طرح ارائه نموده است. تبعیض جنسی و فشار بر زنان ایران، یکی از مهم ترین، رایج ترین و گسترده ترین آثار حکومت خمینی در کشور است. مسلماً شورابانوجه به دیدگاه مترقی و پیشرفته خود نمی توانست در نظر و عمل نسبت به این پدیده برخورد جدی نکند. طرح شورادرباره آزادی ها و حقوق زنان» به «تساوی کامل حقوق اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی زن و مرد» تأکید می کند و به این تساوی در مورد شغل دهر رده، آزادی رفت و آمد، حق انتخاب آزادانه لباس و پوشش، عدم تبعیض در مورد آموزش، ورزش و هنر، به رسمیت شناختن شکل های مستقل زنان، عدم تبعیض مزد در مقابل کار مساوی، تساوی در طلاق، ارث، شهادت و نفی تعدد زوجات و... طی مواد مشخص پرداخته شده است. در طرح شورابانوجه به سابقه طولانی تبعیض در مورد زنان مکانیسم هایی برای رشد و شکوفایی استعداد های زنان از طریق اعمال تبعیض مثبت به سود زنان در نظر گرفته شده است. طرح شورای پرامون رفع تبعیض در مورد زنان کشور، یک سند افتخار آمیز برای شورا و برای آزاد زنان و مردانی است که با اعتقاد به تساوی انسان ها، علیه رژیم ارتجاعی خمینی به پا خاسته و این مبارزه را تا تحقق کامل آزادی و برابری و عدالت ادامه می دهند. این طرح نمونه کامل برخورد مسئولانه، قاطع و مردمی شورای ملی مقاومت است. شورای ملی مقاومت همچنین دو طرح

دیدگاه های خانم مریم رجوی
در مصاحبه با اکسپرس

آقای گابی کلیشین، رئیس انجمن قلم سوند و نماینده روزنامه اکسپرس چاپ سوند در تاریخ ۲۲ دی ۷۲ مصاحبه ای با خانم مریم رجوی انجام داد. این مصاحبه در شماره اول بهمن ۱۳۷۲ (۲۱ ژانویه ۹۴) اکسپرس چاپ شده است. روزنامه اکسپرس پس از سوء قصد تروریست های رژیم به ناشر نیروی کتاب سلمان رشدی در تمام شماره های خود شعار «رابطه با رژیم ایران راقطع کنید، همین حالا» را منتشر می کند. مشروح این مصاحبه در شماره ۳۲۹ نشریه مجاهد چاپ شده است. نبرد خلق تنها به درج نقطه نظر خانم مریم رجوی پرامون مسأله زنان و جنبش فمینیستی، مسأله سلمان رشدی و مسأله رابطه دین و دولت می پردازد. خانم مریم رجوی در رابطه با جنبش فمینیستی می گوید: «البته فمینیسم می تواند زنان رادرجهان اسلامی یاری دهد. اما در این اواخر جنبش فمینیستی آماز به مقابله تند و تیزی بین مردان و زنان کرده است. در موارد متعددی این استراتژی می تواند پرتنمر باشد. اما من خودم فکرا یک پرتنی پدرسالاری با مادرسالاری برایم بیگانه و غریب است. آزادی واقعی زنان تنها وقتی به وقوع می پیوندد که دوشادوش آزادی مردان پیش برود. به عبارت دیگر هر دو جنبش باید از جنبش های بازدارنده سنتی شان رهایی یابند تا بتوان جامعه بی بهترو بیسترس را از انسان را آفرید.»

در مورد سلمان رشدی خانم مریم رجوی می گوید: «متأسفانه من کتاب آیه های شیطانی را نخوانده ام، در نتیجه نمی توانم درباره مزایا یا نقایص ادبی این کتاب اظهار نظر کنم. اما مهم ترین مسأله این است که رشدی به خاطر کتابش به مرگ محکوم شده است. من چندین بار فتوای مرگ رشدی را طرد و محکوم کرده ام. این فتوا با اسلام مغایرت دارد. به علاوه من عقیده دارم که هیچ نویسنده ای را برای کتابش - صرف نظر از این که چه نوشته باشد - محکوم به مرگ که هیچ، بلکه حتی تهدید هم نباید کرد. البته این حق مردم است که نسبت به کتاب هایی که می خوانند، برآشفته شوند. اما این، هیچ کس را مجاز به رفتار تهدید آمیز نیست به عامل آن نمی کند.»

خانم مریم رجوی در مورد رابطه دین و دولت می گوید: «دین و دولت از هم جدا هستند و جامعه بی دمکراتیک و پلورالیستی، که در آن آزادی مذهب و بیان حاکم است، و به حقوق بشر در تمامیت آن احترام گذاشته می شود، برابری همه افراد در برابر قانون تضمین می گردد.»

دیگری پرامون جدایی دین از دولت و نیز خود مختاری کردستان تصویب نموده که در شماره آینده به بررسی آن می پردازم.

شرکت هیأت مقاومت ایران دردومین کنگره حزب احیای کمونیستی ایتالیا

دومین کنگره حزب احیای کمونیستی ایتالیا از تاریخ ۲۰ دی ماه تا ۲۲ بهمن ۱۳۷۲ در شهر رم برگزار شد. این کنگره به علت مسائل حادی که جامعه ایتالیا با آن روبروست دارای اهمیت بسیار بود. حزب احیای کمونیستی در این کنگره درصدد اتخاذ سیاست پیرامون دولت آینده ایتالیا و چگونگی شرکت حزب در جبهه ترقیخواه بود. از این جهت این کنگره برای حیات حزب احیای کمونیستی اهمیت بسیار داشت. کنگره دوم این حزب با اکثریت هفتاد درصد توانست برنامه حزب پیرامون چگونگی برخورد با انتخابات آینده ایتالیا را تعیین کند. در این کنگره از طرف مقاومت ایران، آقایان مهدی سامع و محسن نادی شرکت داشتند و طی روزهای کنگره با بسیاری از شخصیت های برجسته حزب و شماری از شخصیت های سیاسی ایتالیا دیدار و گفتگو نمودند. آقای برتینوتی دبیرکل حزب احیای کمونیستی که در همین کنگره انتخاب شد، در دیدار با هیأت مقاومت ایران بر همبستگی پایدار حزب احیای کمونیستی با مقاومت ایران تأکید نمود. دبیرکل بزرگ ترین سندیکای سراسری کارگران ایتالیا (سی - جی - ای - ال) ضمن حمایت قاطع از شورای ملی مقاومت ایران، سیاست سرکوب گرانه رژیم خمینی در رابطه با کارگران ایران را محکوم نمود. هیأت مقاومت ایران همچنین با آقای پتیناری مسئول روابط بین المللی حزب، شهردار رم، رئیس حزب و نیز تعدادی از نمایندگان و سناتورهای مجلس ایتالیا دیدار و گفتگو نمود. کنگره دوم حزب احیای کمونیستی ایتالیا، در اجلاس آخرین روز خود، قطعنامه ای در محکومیت رژیم خمینی و حمایت از شورای ملی مقاومت ایران صادر نمود که متن کامل آن در همین شماره نبرد خلق چاپ شده است.

قطعنامه کنگره حزب احیای کمونیستی ایتالیا در باره ایران

دومین کنگره سراسری حزب احیای کمونیستی ایتالیا عطف به قطعنامه پارلمان اروپا (مورخ ۱۵/۱۲/۹۲) و قطعنامه مجمع عمومی ملل متحد (مورخ ۲۰/۱۲/۹۲):

- باتوجه به وخامت روزافزون نقض حقوق بشر در ایران که به صورت های مختلف در مجازات های جسمی و روحی حتی به خاطر نقض جزیی ترین مقررات اخلاقی اعمال می شود:

- نگران از سرکوب زنان که به صورت تحقیر و اذیت و آزار قرون وسطایی آنان اعمال می شود:

- نگران از افزایش اعدام های زندانیان سیاسی و جلوگیری رژیم تهران از دیدار نماینده ویژه ملل متحد برای تحقیق در مورد وضعیت حقوق بشر:

شهید عالیقدر کشیش هوسپیان مهر



رژیم جنایتکار آخوندی روز ۲۹ دی ماه امسال، کشیش هوسپیان را در فرودگاه مهرآباد تهران ربوده و همان روزی ربه قتل می رساند. کشیش هوسپیان که بارها از طرف دستگاه سرکوبگر رژیم به خاطر فعالیت هایش دستگیر شده بود، این بار به خاطر فعالیت و افشاشگری اش در رابطه با حکم اعدام کشیش مهدی دیباج، خشم حیوانی آخوندها را برانگیخته بود.

کشیش هوسپیان مهربانگامی به ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر رژیم آخوندی، علیه سیاست های سرکوبگر رژیم در رابطه با اقلیت های مذهبی، مبارزه خود را ادامه می داد و سرانجام به دست مزدوران دارودسته جنایتکارخانه ای - رفسنجانی به شهادت رسید. سازمان چریک های فدایی خلق ایران شهادت این مبارز عالیقدر را به خانواده او و به مردم ایران و به ویژه به هموطنان مسیحی تسلیت می گوید.

حمایت کرده و سیاست سرکوبگرانه رژیم حاکم بر ایران را محکوم می کنیم. در این دیدار طرفین بر خطرات بنیادگرایی اسلامی به مثابه خطری که به ویژه کشورهای اطراف دریای مدیترانه را تهدید می کند، تأکید کرده و در زمینه مقابله با این خطر تبادل نظر نمودند. در پایان سخنگوی سازمان ضمن استقبال از ادامه روابط دوستانه، برای حزب دمکراتیک چپ در انتخابات آینده پارلمان ایتالیا، آرزوی پیروزی نمود.

دیدار با نماینده جبهه ساندینیست

در جریان کنگره دوم حزب احیای کمونیستی ایتالیا، رفق مهدی سامع و مهرداد قادری از طرف سازمان چریک های فدایی خلق ایران با رفیق مارلون ناروایز، عضو شورای رهبری جبهه ساندینیست دیدار و گفتگو نمودند. در این دیدار سخنگوی سازمان به تفصیل به تشریح اوضاع ایران و سیاست های سرکوبگرانه رژیم پرداخت. نماینده جبهه ساندینیست ضمن تشریح اوضاع در نیکاراگوئه برای مقاومت ایران آرزوی پیروزی نمود.

- با ابراز انزجار از موج خشونت های تروریستی که مخالفان رژیم را در خارج کشور هدف قرار داده است، به ویژه قتل وحشیانه محمدحسن نقدی، نماینده شورای ملی مقاومت ایران که در سال گذشته در رم به دست قاتلان اعزام شده از تهران صورت گرفت:

۱- نگرانی عمیق خویش را از وخامت نقض حقوق بشر از جانب رژیم ایران ابراز می دارد.

۲- حمله ها و قتل های تروریستی علیه مخالفان ایرانی در خارج را محکوم نموده و به صراحت از دولت ایتالیا می خواهد که قضیه قتل محمدحسن نقدی را روشن نموده و عاملان و آمران این جنایت هولناک سیاسی را تحت پیگرد، دستگیری و محاکمه قرار دهد.

۳- حلاتی که علیه اماکن فرانسوی در تهران به وسیله مزدوران و اجیرشدگان رژیم پس از حضور خانم مریم رجوی در فرانسه، انجام گرفته اند را قاطعانه محکوم می نماید.

۴- از دولت های اروپایی و به ویژه از دولت ایتالیا می خواهد که به خاطر فعالیت های تروریستی در خارج و اعمال ضد انسانی در داخل ایران توسط رژیم ایران روابط دیپلماتیک و تجاری خود با دولت تهران را به طور جدی مورد بازبینی قرار دهد.

۵- خواستار ورود آزادانه نمایندگان سازمان های حقوق بشری به ایران جهت ارزیابی وضعیت حقوق بشر در این کشوری شود.

۶- حمایت تمام عیار خود را از مقاومت ایران که در شورای ملی مقاومت ایران متبلور می شود و برای آزادی و دمکراسی در ایران می جنگد، ابراز می نماید.

۷- به رئیس کنگره پیشنهاد می کند که متن این قطعنامه را برای دبیرکل ملل متحد، رئیس پارلمان اروپا، رئیس شورای اروپا و مسئول شورای ملی مقاومت ایران ارسال نماید.

دیدار با معاون مسئول روابط بین

المللی حزب دمکراتیک چپ ایتالیا

روز جمعه اول بهمن ماه ۱۳۷۲ رفق مهدی سامع و مهرداد قادری از طرف سازمان چریک های فدایی خلق ایران در دفتر مرکزی حزب دمکراتیک چپ ایتالیا، با آقای روبرتو کونیلو معاون مسئول روابط بین المللی این حزب ملاقات و به مدت دو ساعت مذاکره و گفتگو نمودند. در این ملاقات ابتدا سخنگوی سازمان پیروزی های حزب دمکراتیک چپ در انتخابات شهرداری های ایتالیا را تبریک گفت و از حمایت های حزب دمکراتیک چپ از شورای ملی مقاومت ایران تشکر نمود. آن گاه نمایندگان سازمان به تفصیل آقای روبرتو کونیلو را در جریان اوضاع و خامت بار و سرکوب گسترده مبارزه مردم ایران، بحران رژیم حاکم و گسترش مقاومت ایران قرار دادند. آقای روبرتو کونیلو ضمن استقبال و تشکر از توضیحات روشنگر رفقای سازمان، اعلام نمود که ما با قاطعیت از مبارزه شما برای دمکراسی

درگرمی داشت ۸ مارس روز بین المللی زنان مرور مختصری بر مبارزه زنان در ایران

از صفحه ۱

خمینی که برای دفاع از آرمانشان به شهادت رسیدند، نمونه هایی از مقاومت زنان کشورماست. بارشده و شکوفایی مقاومت عادلانه مردم ایران، حضور زنان نبرد را این مقاومت گسترش یافت. شرکت زنان در جنبش انقلابی از سطح محدود خارج و هر روز ابعاد جدیدی می یابد. با ایجاد ارتش آزادیبخش ملی و گسترده تر شدن فعالیت آن، نقش زنان در جنبش مقاومت هر روز برجسته تر می شود. قرار گرفتن مجاهد خلق مریم رجوی در راس سازمان مجاهدین خلق ایران نیروی نهفته در زنان مجاهد را روایت آنان هر روز قله های جدیدی را فتح می کنند. به جرأت می توان گفت حضور سیاسی زنان در جنبش انقلابی ایران در تمام مدارها و ارگان های تصمیم گیری در مقایسه با تمام جنبش های جهانی بی نظیر است. طرح مربوط به آزادی ها و حقوق زنان که در شورای ملی مقاومت به تصویب رسیده، پایه رسمیت شناختن حقوق زنان و بارفعل تبعیض جنسی و دفاع از شکل یابی مستقل زنان، شرایط حقوقی برای رشد و ارتقاء زنان را فراهم آورده است. زنان ایران در حال حاضر با الترناتیوی روی هستند که نوید دهنده آزادی و برابری در ایران بدون شاه و شیخ است. الترناتیوی که خود را ملزم به رفع کامل تبعیض جنسی در جامعه ایران نموده و چشم انداز شرکت کرده زنان در تمام سطوح جامعه را نوید می دهد.

در پی شکوفایی مقاومت، و تکمیل ابزارهای لازم، برای سرنگونی رژیم ضد بشری خمینی، خانم مریم رجوی از طرف شورای ملی مقاومت ایران برای ریاست جمهوری دولت موقت آینده ایران انتخاب شد. این انتخاب و تأثیرات بزرگ آن در بین زنان، دلیل آنست که الترناتیو رژیم خمینی در مقابل سرکوب و حشیانه زنان کشور بطور کامل از حقوق زنان کشور برای آزادی و شکوفایی دفاع و تلاش می کند تا با سرنگونی رژیم ضد بشری آخوندی، استعدادهای انباشت شده زنان کشور ما را شکوفاسازد. بانومریم شایسته ترین پاسخ به مقاومت و مبارزه زنان کشور ما و به تمام کسانی است که برای دمکراسی و سازندگی مبارزه می کنند. اگر شرط آزادی جامعه و به تبع آن شرط آزادی مردان، آزادی زن است و شرط آزادی زن در گام اول به رسمیت شناختن حقوق مساوی زن و مرد در تمام سطوح است، شورای ملی مقاومت ایران با این انتخاب تهاجم کامل بر تمام بنیادهای فکری رژیم آخوندی و مرتجعین دیگر، راه را برای آزادی مردم ایران می کشاید.



★ رفیق فدایی
فاطمه محمدی

همراه با اوج گیری جنبش ضد سلطنتی، زنان در تظاهرات و حرکات اعتراضی، همپای مردان شرکت نموده و در سرنگونی رژیم شاه نقش فعالی داشتند. در این زمان زنان آگاه جامعه بیش از هر دوره دیگری صحنه سیاست کشیده شدند. حضور گسترده آنان در سازمان های انقلابی و دمکراتیک گویای ظرفیت و آمادگی زنان برای شرکت در سرنوشت جامعه بود. با قدرت گیری رژیم آخوندی و به تاراج رفتن دستاوردهای انقلاب، حقوق زنان بیش از هر قدر دیگر، مورد تهاجم قرار گرفت. رژیم حاکم با تکیه بر باورهای مذهبی مردم، اقدام به عقب راندن زنان از جامعه نمود. زن در فرهنگ عقب افتاده آخوندها ناقص، معیوب و کمراه کننده مردان است. لذا باید در حصار چادر و چاقو زورندانی شود و از جامعه به خانه یعنی قفس هایی که فقط متعلق به مردان محرم خود است، رانده شود و به وظایف بچه داری خود عمل کند. بچه دار شدن و تربیت آن مهم ترین وظیفه زن از نظر آخوندهاست. لیاقت و شایستگی زن در قضاوت و تشخیص از نظر مرتجعین انکار می شود و آزادی زن معنایی جز بی بندوباری و فحشاء نمی دهد. چادر و حجاب که زمانی با اجبار بر داشته شده بود این بار با شلاق و توسری بر سر زنان گذاشته شد. زنان از تحصیل در بسیاری از رشته ها محروم گردیدند. بر حسب قوانین آخوندها که به فقه امامیه آن رامتی می کنند، حق طلاق منحصراً در اختیار مردان قرار دارد. اما زنان ایران نیروی اجتماعی بزرگی هستند که آخوندها هیچگاه قادر به سرکوب کامل آنان نبوده اند. پس از انقلاب اولین گرمی داشت ۸ مارس روز بین المللی زن با تظاهرات وسیع در دانشگاه تهران برگزار گردید. این تظاهرات با صدور قطعنامه ای، خواسته های برحق زنان را اعلام نمود. زنان به اشکال مختلف در مقابل تحمیلات رژیم مقاومت می کنند. آن ها توسط گشت های سرکوبگر رژیم مورد اهانته قرار می گیرند، اما باز هم تسلیم نمی شوند و به مبارزه ادامه می دهند. رژیم پس از ۱۵ سال سرکوب نتوانسته است زنان ایران را از مقاومت بازدارد و آنان را خانه نشین کند. درپوش های ارتجاعی رژیم، زنان در ابعادی سابقه ای دستگیر، زندانی و مورد شدیدترین شکنجه های وحشیانه قرار می گیرند. زنان مجاهد قهرمانی که با عمل فدایی خود حماسه آفریدند، مادرانی که همراه با فرزندان و شوهران خود در زندان ها شکنجه و اعدام گردیدند، مجاهد قهرمان معصومه شادمانی که مقاومت او در زندان های شاه و خمینی زبان زد همه بود، رفقای فدایی چون فاطمه محمدی، نادره نوری، مریم توسلی فاطمه روغن چی، مریم درآگاه و... که توسط رژیم آخوندی اعدام شدند. یکبار قهرمانانه سمبل زن انقلابی مجاهد اشرف رجوی در مقابل مزدوران خمینی و مقاومت دلیرانه هزاران زن مبارز و مجاهد در زندان های

حجاب از زنان نمود و با این اقدام در صدد بود تا کار یکاتوری آزادی زن را نشان دهد. در شرایط پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شرکت زنان در جنبش سیاسی گسترش یافت. ولی این جنبش نتوانست مبارزه زنان را تا سطح رهبری سیاسی ارتقاء دهد. پس از فرم ارضی محمدرضا شاه، ضرورت های موجود در جامعه سبب کسب بعضی حقوق از طرف زنان شد. مسائلی از قبیل حقوق خانواده، حق طلاق، سن ازدواج و سرانجام کسب حق رای از مهم ترین موارد است. اما مهم ترین دستاورد مبارزه زنان در آن شرایط شرکت زنان در جنبش مسلحانه انقلابی بود. در این دوره، شیرزانی بودند که در یکارهای قهرمانانه با مزدوران رژیم شاه در خیابان ها و سنگرها حماسه ها آفریدند و به شهادت رسیدند. رفیق فدایی مهرنوش ابراهیمی، اولین زنی بود که در درگیری های خیابانی به دست ماموران ساواک به شهادت رسید. همچنین رفقا شیرین (معاذ) فضیلت کلام، مرضیه احمدی اسکویی، پروین فاطمی، فاطمه افدرنیا، گلرخ مهدوی، صدیقه (مزت) غروی، فاطمه حسینی و افسر اسادات حسینی، نزهت روحی آهنگران، نسترن آل آقا و مجاهدین قهرمانی چون صدیقه رضایی، در درگیری های خیابانی به شهادت رسیده اند. بسیاری از زنان زنده همچون مجاهد خلق فاطمه امینی، بهجت تینکچی و حوری بازرگان و فدائیان خلق همچون منیره اشرف زاده کرمانی، مهوش جاسمی، اعظم روحی آهنگران، زهرا آقایی قلمکی بودند که در آن شرایط یاد ریز شکنجه مزدوران رژیم شاه به شهادت رسیدند و بیایس از دفاع قهرمانانه از منافع مردم در پی دادگاه های شاه اعدام شدند.



★ رفیق فدایی
مهرنوش
ابراهیمی



★ رفیق فدایی
مرضیه احمدی
اسکویی

پنج سال پس از فتوا

طرح شورای ملی مقاومت ایران درباره آزادی ها و حقوق زنان

۲۵ بهمن امسال، پنج سال از فرمان خمینی مبنی بر قتل سلمان رشدی، مترجمین و ناشرین کتاب آیات شیطانی می گذرد. فتوای خمینی یک فرمان قتل عام است که تاکنون بارها از طرف جامعه بین الملل شدیداً محکوم دانسته شده است. امسال در پنجمین سالگرد صدور این فتوا، یک بار دیگر افکار عمومی، رسانه های خبری، روشنفکران مرفقی جهان و دولتمردان بسیاری از کشورها، رژیم خمینی را به خاطر پافشاری بر اجرای این فرمان محکوم نمودند. سلمان رشدی در یک برنامه طولانی با کانال آرته فرانسه، اعلام نمود که نباید به حرف و محکوم نمودن بسنده کرد، بلکه باید به یک فشار قطعی و جهانی به رژیم حاکم بر ایران مبادرت ورزید. از هنگام صدور فرمان خمینی، تاکنون چند نویسنده و ناشر هدف حملات تروریستی مزدوران رژیم آخوندی قرار گرفته اند. این افراد عبارتند از:

- اتور کابریولو، مترجم ایتالیایی کتاب آیه های شیطانی که در آپارتمان خود در میلان به ضرب چاقو مجروح شد.

- پرفسور هیوسی ایکاراشی مترجم کتاب رشدی که در محوطه دانشگاه تسوکوکیا در توکیو به ضرب چاقو به قتل رسید.

- پرفسور مشیر الحسن، تاریخ شناس اسلامی که پس از این که خواستار لغو ممنوعیت چاپ کتاب رشدی در هند شده بود، توسط بنیاد گرایان هند مورد تهدید قرار گرفت.

- عزیز نسین، نویسنده ترک که به خاطر انتقاد از کزیده ای از کتاب رشدی، مورد حمله بنیادگرایان اسلامی در ترکیه قرار گرفت. در ماجرای حمله به هتل سیواس در ترکیه که عزیز نسین در آن اقامت داشت، بنیادگرایان با آتش زدن هتل، چهل تن از نویسندگان، شاعران و فیلم سازان ترکی را به قتل رساندند.

- ویلیام نایکارد ناشر نروژی کتاب رشدی که جلومنزلس در اسلوویه وسیله تروریست های رژیم آخوندی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و زخمی شد.

اخبار و رویدادها.....

با وجود این که مجلس جهت کاهش هزینه هادریودجه سال ۷۲ خرید ماشین های سواری و تشکیل شرکت هاراممنوع کرد ولی متأسفانه در اوایل خرداد سال ۷۱ تعداد انبوهی ماشین سواری خریداری شد و شرکت های متعددی تاسیس کردند.

محمد باقر توکل نماینده ارتجاع از خمین - رسالت ۲۰ دی/۷۲

بنیادگرایی - تهدید نویسنده بنگلادشی

روزنامه لیبراسیون در شماره ۲۱ بهمن امسال در مطلبی با عنوان «فتوای یک زن» می نویسد: نسرین تسلیماء، یک نویسنده بنگلادشی می باشد که به دلیل افشای فئاتیسم اسلامی در این کشور در آپارتمان خود در داکا، تحت نظر بوده و خطر مرگ وی را تهدید می کند. شورای سربازان

شورای ملی مقاومت ،

با تعظیم به جانبازی های تحسین انگیز و مقاومت فراموشی ناپذیر همه ی زنان مجاهد و مبارزین میهن در برابر رژیم ضد بشری خمینی،

با اعتقاد به اینکه تبعیض علیه زن منافی عدالت و حیثیات انسانی است،

با تأکید بر ضرورت «لغو و رفع کلیه ستم ها و اجبارات و تبعیضات رژیم ارتجاعی خمینی در مورد زنان کشور» (۱)،

با تأکید بر «تساوی کامل حقوق اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی زن و مرد» (۲)

در راستای «تامین کامل حقوق تمامی زنان کشور، فارغ از هر عدم تساوی و محدودیت بهره کشانه» (۳) که بارده نوع تلقی کلاسی از زن رهایی تاریخی مردوزن ایرانی را در نظر دارد موارد زیرین را در برنامه عمل دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران می شناسد:

۱- حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در تمامی گزینش ها و انتخابات و حق رای در تمام همه پرسی ها.

۲- حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل و حق تصدی هر مقام، منصب و شغل عمومی و دولتی از جمله ریاست جمهوری و قضاوت در تمام مراجع و ادارتی.

۳- حق فعالیت سیاسی و اجتماعی آزادانه، رفت و آمد و مسافرت بدون نیاز به اجازه دیگری.

۴- حق انتخاب آزادانه لباس و پوشش.

۵- حق استفاده بدون تبعیض از کلیه امکانات آموزشی، تحصیلی، ورزشی و هنری و حق شرکت در تمام مسابقات ورزشی و فعالیت های هنری.

۶- به رسمیت شناختن شکل های زنان و حمایت از سازمانیابی داوطلبانه آنان در سراسر کشور. در نظر گرفتن امتیازات ویژه در زمینه های گوناگون اجتماعی، اداری، فرهنگی و بخصوصی در امور آموزشی بمنظور رفع نابرابری و ستم مضاعف از زنان.

۷- دریافت مزد مساوی با مردان در برابر کار مساوی، منع تبعیض در استخدام و به

هنگام اشتغال. برخورداری یکسان از مزایای گوناگون از قبیل مرخصی، حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی، دریافت حق اولاد و تأهل و بیمه بیکاری، برخورداری از حقوق و تسهیلات ویژه به هنگام بارداری و زایمان و نگهداری اطفال.

۸- آزادی کامل در گزینش همسر و ازدواج که تنها با رضایت طرفین صورت می گیرد و در نزد مقام قانونی به ثبت می رسد. ازدواج قبل از رسیدن به سن قانونی ممنوع است. در زندگی خانوادگی هرگونه اجبار و تحمیل به زن ممنوع است.

۹- حق متساوی طلاق، طلاق در مراجع صلاحیت دار قضایی صورت می گیرد. زن و مرد در ارائه دلیل برای طلاق برابرند. نحوه سرپرستی اطفال و تامین معیشت آنان و همچنین نحوه تسویه مالی ضمن حکم طلاق تعیین می شود.

۱۰- حمایت از زنان بیوه و مطلقه و اطفال تحت حضانت و سرپرستی آن ها از طریق نظام تامین اجتماعی کشور.

۱۱- رفع نابرابری های حقوقی در زمینه شهادت، ولایت، حضانت و ارث.

۱۲- چند همسری (تعدد زوجات) ممنوع است. در مواردی که مصلحت بخصوصی در کار باشد ترتیبات مقتضی را قانون معین می کند.

۱۳- منع هرگونه بهره کشی جنسی از زن تحت هر عنوان و انحاء کلیه رسوم و قوانین و مقرراتی که بر طبق آن ها پدر و مادر، ولی، قیم یا دیگری، دختر یا زنی را بعنوان ازدواج یا هر عنوان دیگر برای تنوع جنسی یا بهره کشی به دیگران واگذار می کنند.

طرح حاضر در یک مقدمه و سیزده ماده در اجلاس مورخ ۲۸ فروردین ۱۳۶۶ شورای ملی مقاومت به اتفاق آراء به تصویب رسید.

محل امضاء ها
مسئول شورای ملی مقاومت ایران
مسعود رجوی

زیر نویس:

۲۰۱ - ماده ۸ وظایف مبرم دولت موقت

۳ - ماده ۱۰ برنامه دولت موقت و شورای ملی مقاومت

بنیادگرایان در انگلیس

روزنامه انگلیسی گاردین در شماره ۱۸ بهمن خود گزارش مسوولی درباره «رادیکال های اسلامی در بریتانیا» درج نموده است. بر اساس این گزارش بانفوذترین گروه بنیادگرایان انگلیس «حزب التحریر» است که ضدیهودی و نیروهای جوان مسلمان در این کشور را به مبارزه با غرب ترغیب می کند و ضمن جمع آوری پول، آن را برای گروه های بنیادگرایان در خارج ارسال می کند. یکی دیگر از گروه ها که گاردین از آن نام برده «مسلمانان جوان» است که این گروه پس از جذب جوانان مسلمان در انگلیس آن را برای آموزش به ایران و سودان می فرستد.

اسلامی، یک گروه بنیادگرایان از شهرهای بنکلاش، فتوایی علیه وی صادر کرده است. این فتوایه دلیل کتابی که این نویسنده به تازگی نوشته صادر شده است.

ماهواره بعد از ویدئو

رادیو فرانسه از قول روزنامه سلام شماره ۲۸ بهمن می گوید: «طی یک ماه و نیم اخیر مامورین حکومت ایران ۵۲ آنتن بشقابی را توقیف کردند و حال آن که در قوانین کشور هیچ متنی در مورد دریافت برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره ها وجود ندارد و جالب اینجاست که از دیروز دولت جمهوری اسلامی ایران، خرید و فروش دستگاه های ضبط و پخش و دوربین های ویدئو را آزاد اعلام کرده است»

« تو دیدها، اضطراب ها و نقد »

منصورامان

نمی تواند باشد. این امر در درجه اول به برنامه و اهدافی برمی گردد که آن جبهه در مقابل خود قراردادده است. به همیزان که چشم انداز جبهه فرضی، افق های وسیع تری را دربربگیرد به همان نسبت وظایف بنیادی تری را در دستور کار خود منظور می کند. تنها آن نیرویی به صرافت پایه گذاری قوه مقننه می افتد که مابه ازای مادی آن، یعنی نیروی توان برای تبدیل خود به قدرت دولتی را نیز در اختیار داشته باشد. البته بهت و ناباوری اتحادکار، که در حرف از جبهه های سیاسی دم می زند و در برخی موارد نیز با تعدادی دیگر از نیروهای مثل خود وارد مذاکره می شود تا غیر جدی بودن خود را ثابت کند قابل درک است.

ماجدال قلمی بر سر نام گذاری ارگان رهبری کننده دوران گذار را به «اتحادکار» واگذار می کنیم. این جریان می تواند نهاد مذکور را بنا به تمایل خود، هر چه می خواهد بنام داد مراهیت و وظایف آن یعنی ایجاد شرایط لازم برای اداره کشور، ملزم به داشتن قوانین و مصوباتی است که مشروعیت حقوقی داشته باشند. ارگان مذکور چنین مسئولیتی را در جهت تنظیم روابط قضایی، اداری، لشکری و... بهمه می گیرد. در غیر این صورت با آشفتگی و هرج و مرجی روبرو خواهیم بود که امکان هر تحول دمکراتیک را اگر نگوئیم غیر ممکن، حداقل بسپارد شوازمی سازد.

«اتحادکار» سوال می کند:
«مشروعیت این پارلمان از کجاست و ناشی از کدام انتخابات یا حمایت توده ایست؟»
شورای ملی مقاومت، هیچگاه مروج این توهم نبوده که تحت حاکمیت رژیم ملاحا اصولاً یک انتخابات واقعی و آزادی می تواند صورت بگیرد و به همین سبب هیچ کجا ادعا نکرده که در یک همه پرسی از عموم مردم ایران، اعضای خود را برگزیده است. مشروعیت پارلمان مقاومت - مانند هر مجلس در تبعید دیگر - در فقدان شرایط آزاد برای نظرخواهی از توده ها، همانا، از نیروهای شرکت کننده در مقاومت، از مبارزه آن برای تحقق آرمان های به زنجیر استبداد کشیده شده مردم و صداقت و پیگیری در به کرسی نشاندن اراده برحق آن هاسرچشمه می گیرد. طبعاً پس از سرنگونی و استقرار دولت موقت، مهم ترین مسئولیت مجلس و دولت موقت ایجاد شرایط دمکراتیک برای برگزاری انتخابات و دخالت فعال مردم در ساختن سرنوشتشان خواهد بود. همان طور که در ماده الحاقی ب از فصل اول برنامه شورا آمده «حد اکثر تا ۱ ماه پس از سرنگونی، می بایست این امر (انتقال قدرت) به فرجام رسیده باشد.

اگر «اتحادکار» فکرمی کند که مردم ایران امکان این را دارند که نظر خود را راجع به نمایندگان واقعی شان در یک همه پرسی اعلام کنند، بهتر است صریحاً این مسئله را اعلام نماید. اما اگر واقعاً به فقدان یک فضای باز، وسیع و دمکراتیک در شرایط کنونی اعتقاد دارد، بهتر است با رژیم ملاحا طرف حساب شونده یا شورای ملی مقاومت، تصور کند

در اجلاس مورخ ۲۲ آذر تا ۲۰ آذر ۱۳۷۱ اتخاذ گردید و شمار اعضای آن در همان زمان به ۱۰۸ عضو افزایش یافت. در جلسه مذکور بررسی بقیه تقاضاهای رسیده به اجلاس به بعد موقوف شد. و حال آن که شورای رهبری مجاهدین در تاریخ ۱۲/مرداد/۷۲ معرفی گردید. یعنی ۸ ماه پس از آن که شورا رسماً تصمیم خود به افزایش اعضای را اعلام و مرحله ی اول این مهم را پشت سر نهاده بود. عضوگیری های اجلاس ۱ تا ۷ شهریور ۷۲ در حقیقت ادامه روندی بشار می آید که پیشتر آغاز اهداف و چگونگی آن در اطلاعیه های مشروح، به آگاهی تمام کسانی که روال رویدادها را بطریقی و نه واژگونه دنبال می کنند، رسیده بود.

نکته بعدی مورد اعتراض «اتحادکار» از کاف قلی چیزی کم نمی آورد: نوشته اند:
«ظاهراً «شورای ملی مقاومت»، مستقل از برنامه و سیاست هایش، جبهه ایست متشکل از تعدادی از سازمان ها، شخصیت ها و افراد سیاسی که هدف خود را سرنگونی رژیم حاکم، استقرار دولت موقت و انتقال قدرت به مجلس مؤسسان یعنی به نمایندگان قانونی مردم اعلام کرده است. اما یک چنین تصویری اشتباه است زیرا شورا خود را نه یک جبهه سیاسی که «مجلس ملی در تبعید»، معرفی می کند، بلکه از بدو تشکیل اش تا برقراری مجلس مؤسسان آتی وظیفه قانونگذاری را بر عهده دارد.

تفاوتی که «اتحادکار» میان اهداف شورا پیش و پس از آن قائل می شود بر راستی حیرت آور است. چرا که دقیقاً بر مبنای اصول بنیادی شورایی یعنی «سرنگونی رژیم حاکم، استقرار دولت موقت و انتقال قدرت به مجلس مؤسسان» است که ضرورت ایجاد ارگان قانونگذاری طی دوران گذار مطرح می شود. این شروط لازم و ملزوم یکدیگرند و بدون یکی، دیگری نیز فلسفه وجودی نخواهد داشت. اهرم انتقال قدرت به طور منطقی انتخاباتی است که زمینه و شرایط آن توسط یک نهاد قانونی فراهم شده باشد. تعریف شورا از این نهاد، مجلس ملی دوران انتقال، و یا آن طور که اتحادکار نوشته «مجلس ملی در تبعید» است و این امر برخلاف آنچه که «اتحادکار» سعی می کند به خواننده بقبولاند، هیچ تغییری در ماهیت اجزاء تشکیل دهنده آن نمی دهد. شورا یک توده بی شکل از نمایندگان نیست بلکه همان طور که نشریه مذکور خود بدین اذعان دارد (اتحادکار با کلمه «ظاهراً» از بیان صریح آن طفره می رود) «انتلافی ست متشکل از تعدادی از سازمان ها، شخصیت ها و افراد سیاسی». هر پارلمان بطور اصولی یک جبهه سیاسی است که بر اساس پذیرش پرنسیب های معینی از سوی اعضای آن شکل گرفته، برای پارلمان هایی که از درون شرایط عادی بیرون آمده اند این پرنسیب قانون اساسی است و در مورد شورای ملی مقاومت ایران، اصولی است که پیش تر بدین اشاره شد، اما هر جبهه سیاسی به ناگزیر نهاد قانونگذاری

گسترش شورا، معرفی مسئولین کمیسیون های مختلف آن و اعلام ریاست جمهوری خانم مریم رجوی بیش از هر چیز بیانیانگرتحول کیفی اپوزیسیون قدرتمندی است که در پروسه یک مبارزه جدی و پیگیرانه، ساختارهای جانشین را پی ریزه و چشم انداز سرنگونی رژیم حاکم را مسئولانه در برابر خود قرار می دهد، برای آن بخش از مخالفین جمهوری ملاحا که برودت دوران تبعید را به کرسی های گرم اروپایی سپرده و خود به خواب چله بزرگ فرو رفته اند، طبعاً این اخبار موجبی برای راحتی خیال نمی توانست باشد. چه، درست در همان زمانی که مهمترین فعالیت سیاسی آن هادر اتحاد و ائتلاف و سپس انشعاب از یکدیگر خلاصه و اندک، اندک این امر به نوعی کاسبی حرفه ای تبدیل می شود. موج مقاومتی نیرومند با پشتوانه عظیم سیاسی و نظامی، سنگرهای دیگری را در عرصه چارچوب های استراتژیک قدرت دولتی فتح می کند و به عبارتی آب را از سرشان می گذراند. بررسی واکنش های سراسر می اینان بر راستی برای تمام کسانی که در کرحختی سیاسی جریانات مذکور شک دارند، آموزنده است. آن هادر مخالفت آسمان را به ریسمان می بافند بدون آن که حتی خود بدانند با چه چیزی موافق نیستند. نکته هایی را به عنوان دلیل ارائه می دهند که یانیش قیر گردیده یا این که از بدنام ترین محافل به عاریت گرفته شده و سرآخربه جای بحث منطقی و مطرح ساختن استدالات خود، به بیان ساده بهانه گیری می کنند. مقاله «شکلی از استبداد»، مندرج در نشریه «اتحادکار» شماره ۵۰، آذر ۷۲، ارگان «سازمان فدایی ایران» یکی از نمونه های جامع در این زمینه است که گرچه برای برخورد با مطالب مطرحه در آن، می بایست به توضیح مکرر و واضحاتی در زمینه مواضع شورا پرداخت اما حداقل از این زاویه که جایگاه واقعی و میزان دانش سیاسی اضداد مقاومت به وسیله این بحث روشن ترمی شود، مفید خواهد بود.

نوشته مذکور با یک جعل تاریخی آغاز می شود. نویسنده تلاش می کند ضرورت گسترش شورا را که به دلیل روند پویا و تکاملی مقاومت و در پاسخ به یافتن ظرف مناسب برای الترناتیو سیاسی رژیم، مطرح گشته زانده ای از تحولات داخلی مجاهدین نشان داده و آن را کم رنگ سازد. ملاحظه کنید:

«دربی حصول وحدت کلمه، مجاهدین با راهبر عقیدتی شان نوبت به شورای ملی مقاومت، رسید تا با افزایش شمار اعضای خود به ۲۲۵ عضو که اکثراً متشکل از زنان مجاهد هستند، نشان دهد که از قافله انقلاب ایدئولوژیک، جدید عقب نمانده است.»
اگر نویسنده در هنگام کشف این استدلال شگرف آنچنان ذوق زده نمی شد که سال و ماه را با یکدیگر قاطی کند شاید آن وقت به این نکته کوچک! برمی خورد که تصمیم گسترش شورا

در خلال اشغال فرانسه توسط قوای هیتلری در جنگ جهانی دوم و هنگامی که ژنرال دوگل، دولت فرانسه آزاد، رادتبعدتشکیل داده بود، کسی پیدامی شد و از اوسندمشروعیت انتخاباتی می خواست! البته اگر نشریه مذکور راه حل داهیان ای کشف نموده جاداشت در همان مقاله ذکر می نمود تا حداقل مطالب نوشته شده این گونه بیگانه با واقعیات ذهنی جلوه ننماید.

اتحادکار، در ادامه رده نویسی هایش به اصل معروف، تفسیر به رأی، رجوع کرده و با تشریح من در آردی مناسبات درونی شورا، به نقد تأثیرات و چگونگی آن می پردازد. برای کسانی که زحمت کند و کواو یک پدیده رایج خود نمی دهند و نیز دنیای محدود و وسپید و سیاه آنان اجازه مشارکت عینی در تغییر حیات پیرامونشان را نمی دهد. این سبک نقد البته ایده ال است، اما حاشیه نشینی فعال! این ضرر را هم دارد که دستگاه تحلیلی رایج دکان بقالی که همه نوع جنس در آن موجود است، تبدیل می نماید. این وادادگی فکری در مقاله مورد بحث، خود را بصورت تکرار اتهامات کهنه و بی اساس نظیر تمام قدرت در دست خاندان آقای رجوی، «زنداد و شکنجه مخالفین»، «منطق حزب فقط حزب الله»، «شکل جدید استبداد مذهبی» و غیره که بارها توسط رژیم و محافل افراطی ضد مقاومت عنوان گردیده، به نمایش می گذارد. (من در این جابه این برجسب هانمی پردازم و داوری درباره فرهنگ حاکم بر نقد سیاسی این جریانات رایج خواننده واگذار می نمایم). اما بخش اصلی مطلب به تلاش برای نمایشی و فرمایشی جلوه دادن شورای ملی مقاومت اختصاص یافته، اتحادکار، می نویسد:

«نه تنها سازمان ها بلکه بطور کلی همه اعضاء شورا، وحدت کلمه، رانصب العین قراردادده واصل، اتفاق آراء، راراعیت می کنند. در فرهنگ و ترمینولوژی این پارلمان، برخلاف دیگر پارلمان ها، واژه های اکثریت، ویا اپوزیسیون پارلمانی، وجود ندارند و نمایندگان آن اصولاً با چنین مفاهیمی آشنایی ندارند».

اتحادکار، که به خواننده اطمینان می دهد که با چنین مفاهیمی، آشنایی کامل دارد، هنوز حتی یک سطر از صورت جلسات شورار اویت ننموده و با این همه به طرز غامیانه ای از ادامه کاری آن و تصویب طرح های مختلف، جمود فکری و سیاسی، نتیجه می گیرد. وی هنوز نمی داند وجود اکثریت، یا اپوزیسیون، در هیچ پارلمانی فی نفسه دلیلی بر دمکراتیک بودن آن نیست، کما اینکه با چنین منطق عوامفریبانه و مغشوشی باید مجلس فرمایشی شاه را فقط به دلیل وجود حزب ایران نوین، یا مجلس آخوندی را بخاطر حضور نمایندگان، خط امام، و بازار، دمکراتیک خواند! چگونگی اجرا و به واقعیت تبدیل نمودن دمکراسی در یک پارلمان راتنهایی توان با معیار نزدیکی یادوری آن به مطالبات توده ای و پرنسبب ها و موازین عموم بشری بین المللی محک زد. نگاهی مختصر به برنامه و اسناد شورا، بخوبی تبعیت از ایده ال های ملی

و اصول متعارف بین المللی را نشان داده و در عین حال منعکس کننده روابط درونی آن است (بعنوان مثال، طرح های صلح، خودمختاری کردستان، جدایی دین از دولت، زنان و...) چرا که هر تأثیر بیرونی بازتاب و نمادی از روابط داخلی است. به بیان مشخص، نیرویی که به جمود فکری و سیاسی، دچار است قادر نیست به معضلات اجتماعی پاسخ های دمکراتیک و انقلابی بدهد زیرا در درجه اول خود مایهتا از چنین ویژگی هایی بی بهره است. شیفتگی اتحادکار، به بحث های نامانوس منبری، نزاع های فرقه ای و تیغ کشی جاهلانه البته بسی بیشتر از آن است که بتواند باور کند در یک مناسبات دوستانه، سالم و دمکراتیک و بدو از منفعت جویی های حقیر این کاست یأآن سکت هم امکان کار سیاسی وجود دارد. در همین راستا، اتحادکار، از اینکه کسی یا جریانی در داخل شورا با تصمیمات تابه حال اتخاذ شده و از جمله مصوبات بالا، مخالفتی ندارد، برآشفته می شود و در ترمینولوژی!! نه چندان غنی خود دیدان، وحدت کلمه، نام می دهد. و این در حالی است که برای هر کسی که تا حدودی به مسائل کشورمان آگاهی داشته باشد، اهمیت و ضرورت حل مشکلات ریشه دار و پیچیده ای همچون ملیت ها، رابطه مذهب و حکومت، زنان و غیره به خوبی روشن است. شورایک امکان تاریخی برای خاتمه دادن به دوران دیرینه ی استبداد در سیاست، در فرهنگ و در اقتصاد ایران و گشایش مسیری نوین در راه کسب دمکراسی و عدالت اجتماعی بر پایه نگرش انسانی است. درک عمیق این شانس، عامل انگیزاننده ای است که از راه مشترک اعضاء شوراراشکل می دهد. تصویب مثلاً طرح جدایی دین از دولت، به اتفاق آراء، جای هیچ تعجبی ندارد. شگفت آن است که پس از حدود ۱۲ سال حکومت ارتجاع مذهبی و تأثیرات مخرب سیاسی - اجتماعی و اقتصادی آن، هنوز کسانی وجود داشته باشند که فقط بخاطر پرکردن انبان استدلال بی مایه خود، اقدامات عملی و مسئولانه برای ریشه کن کردن این پدیده قرون وسطایی رانفی کنند. در مورد سایر مصوبات شورانیزمین حکم صادق است.

علاوه بر این ها، پلاتفرم سه گانه ای که در ابتدای مقاله ذکر شد، منبأ و مخرج مشترک تمام سازمان ها و شخصیت های عضو شورا است. گردانندگان اتحادکار، حداقل باید این راتابه حال فهمیده باشند که یک پلاتفرم اعلام شده با توضیحات روشن و صریح با «وحدت کلمه» آن هاتفاوت اساسی دارد و التزام بدان شرط مقدماتی همکاری دویا چند جانبه است. اختلاف یا تعدد نظرات در یک ارگان شکل گرفته بر اساس پلورالیسم سیاسی، امری بدیهی و اجتناب ناپذیر است. اما پذیرش اصول بنیادی از یک طرف و نیز آگاهی بر این واقعیت که سیاست ائتلافی با آنکه از برنامه و خط و خطوط سازمانی یافردی سرچشمه می گیرد اما الزاماً همان نیست، به جای آن که گرایشات موازی را از هم دور سازد آن ها را در نقطه مورد توافق به

یکدیگر پیوند می دهد. و دقیقاً همین تمایل به تعادل است که شورای ملی مقاومت نخستین تجربه موفق ائتلاف سیاسی در تاریخ کشورمان محسوب می شود.

اتحادکار، با دید سکتاریستی و تعریف مجرد از اپوزیسیون پارلمانی، و اکثریت، هر مشاخره بی محتوایی را مبارزه طبقاتی می پندارد و در مقابل در پس هر وحدت عمل سیاسی، دست های مرموز، وحدت کلمه، می بیند. این همان بینشی است که چندی پیش یکبار دیگر خود را در پیرویه وحدت گردانندگان اتحادکار، و راه کارگر، به نمایش گذاشت. بدین صورت که بیش از دو سال بحث و گفتگو و انتشار بولتن های متعدد مباحثاتی، طرفین بر سه مورد که یکی از آن ها، ترکیب طبقاتی دولت الترناتیو، بود، به توافق نرسیده و انصراف خود را از ادامه روند وحدت اعلام نمودند. راه کارگر، از یک حکومت کارگری دفاع می کرد و جریان مورد بحث ما از جمهوری دمکراتیک و مردمی! جدیتی که این دو سازمان بر سر به کرسی نشانند، دولت الترناتیو، از دیدگاه خودشان بخارج می دادند تا آن جا که حتی سرانجام وحدت آنان نیز تحت الشعاع اهمیت! موضوع قرار گرفت. برای کسی که با مسائل ایران آشنایی نداشته باشد، این توهم رایج وجود می آورد که گویا راه کارگری ها، و مسئولین اتحادکار، در آستانه دروازه تهران قرار دارند و توده هایی صبرانه به انتظار تصمیم قطعی آنان نشسته اند! جدایی از واقعیات تا بدین اندازه، حتی دیگر تسمخ آمیز هم نیست، مایه دلسوزی است. و باید طلب شفای عاجل برای آنان کرد. من در این جا قصد ندارم برای این آقایان و خانم هانسخه پیچم اما فکرمی کنم برای آن هایی که واقعاً و بطور جدی قصد مبارزه با رژیم حاکم را دارند. پیدا کردن یک محور مشترک مبارزاتی نباید دشوار باشد. دستگاه فاسد و مستبد ملامها هر روز مانه تجاوزه خود به جان، مال و ناموس مردم را گسترش می دهد. آیا نمی توان علیه مسائل مشخصی مانند سرکوب زنان، شکنجه و اعدام، زندانیان سیاسی، تروریسم دولتی، اختناق فرهنگی، تشدید فقر و فلاکت و از همه مهم تر ادامه ی این وضع مبارزه کرد؟ بحث پیرامون «دولت الترناتیو، هنگامی که ابزار مادی به کرسی نشانند آن وجود ندارد. آیا بهانه ای برای شانه خالی کردن از زیر بار وظایف بی واسطه نیست؟

به هر حال، اگر برای اتحادکار، و امثالهم، بحث و مکاشفه و اپوزیسیون پارلمانی، و اکثریت، مایه سرگرمی و توپ خالی در کردن است، برای مقاومت ایران برعکس تلاقی نظرات نیز در انتها مانده حرکت به جلو محسوب گردیده و خرج انقلاب و مبارزه می شود. از این رو هیچ دلیلی نمی بیند که بخاطر ارضاء تمایلات ذهنی این یأآن جریان، انرژی خود را به جای مسائل واقعی کشور مردم، به دور باطل اتحاد - نزاع - انشعاب معطوف نماید.

«تردیدها، اضطراب ها و نقد»

انتقاد بعدی اتحادکار، به رابطه ی مذهب و شور و اختصاص دارد و طبق معمول انباشته از پیش دآوری ها و نتیجه گیری هایی است که هیچ پیوندی با واقعیت ندارند:

«... صفت اسلامی آن (جمهوری دموکراتیک اسلامی) نیز مزید بر علت بود. و نشان دهنده تلفیق دین و دولت است که می تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد اما ماهیت آن یکسان است و چنانچه تجربه نیز به اثبات رساننده حاصلی جز استبداد و استمگرگی در بر ندارد...»

این دیگر در حیطه هیچ دستگاه استدلالی نمی گنجد که ماهیت یک پدیده را تنها بر اساس نامی که برخوردار ندارد تحلیل و تعیین کنند. به ویژه در عالم سیاست با این تفکر ساده لوحانه حتی نمی توان نوک دماغ خود را دید. «اتحادکار» بعنوان مثال صفت «مسیحی» احزاب «دمکرات مسیحی» اروپا را چگونه توضیح می دهد؟ آیا به نظروهمه ی آن ها شعبه ی واتیکان هستند؟ آیا در کشورهای که این احزاب در قدرت قرار دارند، دولت ایدئولوژیک حاکم است؟ «کشور پادشاهی انگلستان» یا «جمهوری سوسیالیستی مغولستان» چه نوع مقوله هایی از حکومت هستند؟

برای تحلیل ماهیت سیاسی یک نیروی اجتماعی، می بایست از سطح نهادهایی همچون نام، آرم، پرچم و غیره که کارروابط عمومی آن را سمبولیزه می کنند، فراتر رفت. یک بحث محتوایی، به اسناد برنامه و سیاست عملی متکی است و از این کانال هاست که نظرات خود را عبور می دهد. «اتحادکار» هرگاه به دیدگاه های مکتوب و مصوبات شورانظری می افکند، بی شک به این مواضع صریح و روشن برخورد می کرد. ملاحظه کنید:

«... به این ترتیب دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران با اعلام تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی همه ی آزاد ملت، همه ی امتیازات جنسی و قومی و عقیدتی را ملغی می شناسد و انتخاب و رأی عمومی را تنها مجرای مشروعیت انتخاباتی تلقی می کند. به این ترتیب از نظر سیاسی و اجتماعی نه زن و نه مرد، نه قومیت و نه عقیده و مذهب... هیچ یک به خودی خود و بدون پشتوانه آراء عمومی از لحاظ سیاسی و اجتماعی بردگیری ترجیح قانونی ندارد و همگان در مقام انتخاب شدن و انتخاب کردن از حقوق قانونی تساوی برخوردارند.» (بخش ۲ از مواد برنامه شورای ملی مقاومت)

از این هم مشخص تر «طرح جدایی دین از دولت» است...

ضرب المثلی است که می گوید، آن کس که نمی خواهد بشنود از هر کوری، کز تروآن کس که نمی خواهد ببیند از هر کوری، کور تر است. حال حکایت کسانی است که از یک پسوند «اسلامی»، تلفیق دین و دولت، و استبداد و استمگرگی، بیرون می کشند و از کنار انبوه اسنادی که بدون هیچگونه سوء

تفاهم، آشکارا ورک، استنتاجات آنان را به کف روی آب تبدیل می کند. با فراغ بال می گذرند. توجه کنید:

«... برگزاری انتخابات برای چنین مجلسی (مؤسسان) - نمی تواند - چیزی جز یک انتخابات فرمایشی به منظور دامن کردن دولت موقت مفروض مجاهدین باشد. اپوزیسیون بی اپوزیسیون! این شعار است که از هم اکنون بر پرچم شیروخورشید «دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی» نقش بسته است. چنین دولتی اساساً نمی تواند دموکراتیک باشد...»

چنین شعاری راحتاً «اتحادکار» در ستاره هادیده است و گرنه هیچ یک از اعضای شور و منجمله مجاهدین، هیچ کجا از انتخابات بدون حضور این یا آن بخش از مردم و نمایندگان سیاسی شان سخن نگفته و در اسناد شور و نیز هیچ جا قید نشده که شرط شرکت در انتخابات، هواداری از شور و، شخصیت یا سازمان مشخصی از آن است.

تنها استثناً شامل نیروهای وابسته به «امپریالیسم و ارتجاع»، بازماندگان شاه و خمینی می شود. یعنی جریاناتی که نه در یک پروسه مسالمت آمیز بلکه به وسیله قهر انقلابی از قدرت به کنار زده شده و مقاصد، سوابق و جرائم شان امکان همزیستی در یک چارچوب دموکراتیک با آنان را از میان برده است. بنده از بخش سوم مواد برنامه شور و، نحوه برخورد آن با مقوله گروه بندی های سیاسی و اجتماعی را این گونه فرمولیزه می کند:

«آزادی کامل مطبوعات، احزاب، اجتماعات، جمعیت های سیاسی و نیز اتحادیه ها و انجمن ها و شور و ها و سندیکاهای مختلف به استثناء احزاب و دستجات ضد انقلابی و فاداریه شاه و خمینی. این آزادی تا مرز قیام مسلحانه بر علیه نظام مشروع و قانونی کشور هیچ محدودیت اصولی ندارد.»

«اتحادکار» در پس این سناریو نویسی های هیچکاک مانند، هراس نیروهای خود را به نمایش می گذارد که کارنامه ی دوران تبعیدشان، - سند فقر مبارزاتی آن هاست و از همین رو چشم اندازهای ناگواری را از زاویه جلب حمایت و کسب اعتماد توده ای در برابر خود می بینند. آنان بخوبی واقفند که استناد به منفعل ساختن بخش قابل توجهی از نیروهای بالقوه انقلاب، اشتغال دائمی به بحث هایی همچون «دولت الترناتیو» و نظائر آن، سنگ اندازی بر سر راه جریانی که خود به «رمزجویی و قاطعیت و پیگیری شان در مبارزه علیه رژیم آخوندها» اعتراف می کنند، نمی تواند دلایل خوبی برای موفقیت در یک انتخابات باشد. این گرزوداغ و درفش مقاومت نیست که آنان را از همین الان به انصراف از به معرض دآوری گذاشتن خود در نظر مردم واداشته بلکه درک حساب گرانه این مطلب است که در مقابل سوال برحق آن ها برای مبارزه با رژیم ملاحاقد رمایه گذاشتید؟ به لگنت خواهند افتاد. «اتحادکار» مطمئن باشد که هیچ فرد عاقلی به مخیله اش هم فکر ممنوع یا سرکوب کردن جریاناتی مانند او را راه نمی دهد تا از این راه

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲
 ۱۳۶۱/۱۲/۲۴ - کشتار تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در زندان رشت بدنبال ایجاد آتش سوزی در این زندان توسط مزدوران رژیم خمینی
 ۱۳۶۴/۱۲/۸ - درگذشت غلامحسین بنان، خواننده بزرگ و استاد موسیقی ایرانی
 ۱۳۷۱/۱۲/۲۵ - شهادت محمدحسین نقدی، نماینده شورای ملی مقاومت در ایتالیا به دست تروریست های رژیم خمینی
روزهای تاریخی
 ۸/مارس - روز همبستگی بین المللی زنان

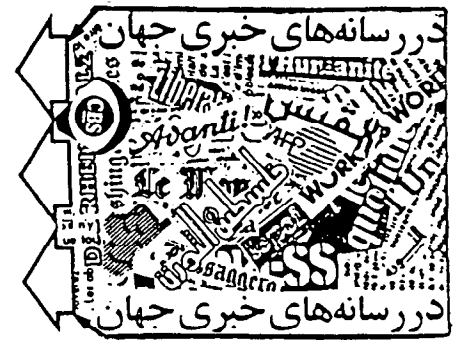
خارجی

از ۲۰ / فوریه تا ۲۰ / مارس
 ۲۶ فوریه ۱۸۴۸ - انتشار مانیفست حزب کمونیست نوشته مارکس و انگلس
 ۵ مارس ۱۸۷۱ - اختراع اولین چاپخانه در جهان بوسیله گوتنبرگ آلمانی
 ۵ مارس ۱۸۷۱ - تولد روزا لوکزامبورگ
 ۱۸ مارس ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس
 ۱۴ مارس ۱۸۸۳ - درگذشت کارل مارکس، برجسته ترین اندیشمند تاریخ معاصر و رهبر بزرگ پروتاریای جهان
 ۲ مارس ۱۹۱۹ - تشکیل کنگره مؤسس انترناسیونال سوم
 ۲۱ فوریه ۱۹۳۴ - شهادت اکتیسوزارساندینو، از رهبران جنبش انقلابی نیکاراگوئه توسط گارد ملی دولت ارتجاعی حاکم در نیکاراگوئه
 ۴ مارس ۱۹۵۳ - درگذشت ژوزف استالین
 ۱۴ مارس ۱۹۵۴ - آغاز نبرد دین بین فو توسط انقلابیون ویتنام علیه نیروهای تجاوزگر فرانسوی
 ۲۲ فوریه ۱۹۶۵ - ترور ماکوم ایکس از رهبران جنبش سیاهان آمریکا
 ۲۷ فوریه ۱۹۷۷ - تأسیس جمهوری دموکراتیک عربی صحرائی باختری توسط جبهه آزادیبخش پولیساریو
 اول مارس ۱۹۸۱ - شروع اعتصاب غذای بابی ساندز در زندان های انگلیس که منجر به شهادت او گردید.
 ۴ مارس ۱۹۸۵ - اعتصاب یک ساله کارگران معدن رمال سنگ در انگلیس بدون توافق با دولت خانم ناچوریان یا بهت این یک شکست برای جنبش کارگری انگلیس و آغاز غضب نشینی های بعدی این حسی بود.

بدرست کردن خوراک تبلیغاتی. آنان را در دست و پانمودن حیثیت مبارزاتی یاری داده باشد. «اتحادکار» نه امروز و نه فردا، نخواهد توانست بهای بی عملی خود در سخت ترین شرایط تاریخ ایران را از کیسه مردم و شورای ملی مقاومت بپردازد.

تنزل سطح انتقادات مخالفین مقاومت به چنین خرده گیری هایی از یک سویان دیالکتیک ذوب عمومی و همه جانبه نیروهای حاشیه ای، و از طرف دیگر اهمیت تصمیمات اخیر شور و در شتاب بخشیدن به تغییر توازن قوای سیاسی میان مقاومت و رژیم نشان می دهد. این دومی بویژه نیروهای غیر جدی را سخت برآشفته می سازد. مسیر شکوفایی ایران فردا، بیش از هر زمان دیگر امروز از درون عمل و نظر مقاومت و نبرد تاریخی پیشتازان انقلاب می گذرد. این آینده شکوفازان توده هاست. اگر طیف «از راه ماندگان» شجاعت اعتراف به حقیقت را ندارند، این مساله خودشان است.

بهن ۷۲



مسئول شورا، تلاش برای سرپوش گذاشتن بر نقش رژیم آخوندها در ترور برلین را محکوم می کند

آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران، تلاش برای سرپوش گذاشتن بر نقش رژیم آخوندها در ترور چهارمخالف ایرانی در برلین را که روز گذشته در جریان شهادت یک مأمور اداره جنایی فدرال آلمان (BAK) در دادگاه فاش شد، شدیداً محکوم کرد.

بر اساس اظهارات روز گذشته این مأمور آلمانی که در کمیته تحقیق قتل کار می کرده، به دستور رئیس دفتر صدراعظمی آلمان، یک گزارش سرویس اطلاعات فدرال (BND) که حاوی اطلاعاتی قیمتی در مورد نقش تروریسم دولتی و عوامل رژیم آخوندها در این ترور بوده، از پرونده برداشته شده است. وی اظهار داشت که اجازه ندارد در مورد محتوای این گزارش توضیح بیشتری بدهد.

آقای رجوی با استناد به اطلاعات به دست آمده از داخل ایران، افزود: همان طور که قبلاً نیز توسط مقاومت ایران افشاشده، رژیم آخوندها مدتهاست که در پی منحرف نمودن پرسوس دادگاه و سرپوش گذاشتن بر نقش خود در این ترور بوده است.

مسئول شورای ملی مقاومت از صدراعظم آلمان خواست با مداخله شخصی خود اجازه ندهد که عدالت آلمان قربانی مرادات حقیرانه اقتصادی بادیکتاتوری تروریستی - مذهبی آخوندها گردد. وی افزود هم اکنون نیز رژیم آخوندی با سوء استفاده از روابط خود با آلمان، این کشور را به مرکز تروریسم خود در اروپا تبدیل ساخته است.

آقای رجوی با تأکید بر ضرورت برخورد قاطع با تروریسم افسارگسیخته آخوندها، از صدراعظم آلمان درخواست نمود که منع اعمال شده بر قرضات تحقیق و سایر دست اندرکاران پرونده برای صحبت در مورد اطلاعات مفقود شده و سایر جزئیاتی که به دادگاه کمک کند، برداشته شود. وی تأکید کرد هرگونه پرده پوشی در مورد نقش رژیم آخوندها در ترور برلین، معنایی جزمکاری با تروریسم آخوندها و تشویق آنان بر ادامه این سیاست ندارد.

آقای رجوی با اشاره به این که مسافرت جنایتکارانی نظیر فلاحیان و زیرساواک، روحانی دبیر شورای امنیت ملی ولاریجانی رئیس کمیته سیاست خارجی شورای عالی امنیت رژیم، به آلمان، هدفی جز منحرف کردن دادگاه نداشته است، گفت: لذا ضروری است که هرگونه مرادیه سیاسی و اطلاعاتی از این قبیل متوقف گردد زیرا فقط در خدمت مطامع تروریستی آخوندها خواهد بود.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس
اول بهمن ماه ۱۳۷۲

مانده. بعضی از ژانسیس های خبرگزاری تهدیدهایی بصورت اطلاعیه دریافت داشتند: «روزنامه نگاری که کنفرانس رادنبال نماید، و بنابراین مشروعیت به حاکمیت بدهد، قبح خود را می کند». متنی که کلیه روزنامه نگاران، اعم از خارجی و داخلی را در بر می گیرد.

در حال حاضر، روزنامه نگاران الجزیره ای به درستی خود را هدف می دانند و جرأت خارج شدن ندارند و برخی از آن هاتابه حال مستقیماً در تهدید نبودند... هر سفارتی هم تدابیر لازم را اتخاذ نموده است. از روزنامه نگاران خواسته شده به دستورات و قواعد احتیاطی که به مجامع خارجی داده شده احترام بگذارند. روز سه شنبه بعد از سوء قصد، کلیه روزنامه نگاران فرانسوی به سفارت احضار شدند...

عریانی، زخم جدید مصر

عریانی آدم وحوی موجب مباحثه و مجادله وسیع سیاسی و مذهبی در مصر گردیده است. کلاً غریب نماینده بویژه پاکدامن و عفت نمای مجلس ملی در ماه دسامبر در همین مجلس با عریانی عریانی آدم وحوی را چنین توصیف نمود: این دلیل انحطاط فرهنگی در کشور ما است. بعد از درخواست از زبانوان نماینده به ترک جلسه. او اثری از گوستاو و کمیت. نقاش اوایل قرن اتریش را به اهتزاز در آورد. که آدم وحوی را عریان نشان می داد. این نقاشی در ماهنامه فرهنگی مصر ال ابداع به چاپ رسیده بود که وابسته به دایره های حکومتی است. غریب خواستار رای عدم اعتمادی برای وزیر بسیار لیبرال فرهنگ، فاروق حسینی شد. علیرغم اینکه نمایندگان متعددی از دیدن تابلو متحیر گردیده بودند. پارلمان بر علیه وزیر اقدامی ننمود. منتهی مسأله ادامه داشته و باعث عکس العمل هایی در سواحل نیل گردید. مضطرب برای آزادی بیان و ابداع. صد ها هنرمند و نویسندگان مصری، از جمله جایزه نوبل ادبیات، نجیب محفوظ طوماری علیه غریب برای افشای «تروریسم فرهنگی، امضا نمودند.

اصول گرایان، مطبوعات اسلامی باشندت وحدت، تبلیغات علیه روشنفکران را با این دلیل از سر گرفتند: ابداع هنرمندانه حدودش احترام به مذهب است.

۲ ترجمه از لیبراسیون فرانسه
مترجم - الف - ر
تاریخ: ۲ فوریه/۹۴

دهمین روزنامه نگار دیروز (۱/۲/۹۴) در کاسپان به قتل رسید.

الجزیره: ترور مطبوعات

اولیویه ک منتز، روزنامه نگاری فرانسوی و همکار استرالیایی او، اسکوت آلان وایت دیروز به موقع انجام ریور تازی مورده سوء قصدی تروریستی، قرار گرفتند. نفر اول دردم کشته و نفر دوم بصورت وخامت باری مجروح گردید. اولین باری است که روزنامه نگاران خارجی مورد هدف قرار می گیرند. تاکنون ۹ روزنامه نگار الجزیره ای به قتل رسیده بودند. از ماه سپتامبر ۹۲، ۲۷ تبعه خارجی که ۵ نفر آن ها فرانسوی بوده اند در الجزیره کشته شده اند.

روز سه شنبه، اسکوت آلان وایت ۲۵ ساله، کارگردان استرالیایی و اولیویه ک منتز که مشغول تهیه برنامه مستند ۲۰ دقیقه ای بوده و امید داشتند آن را به کانال تلویزیونی ABC آمریکا بفروشند، در حالی که به همراه راهنمای الجزیره ای خود بودند مورد سوء قصد واقع شدند...

این دویسی اعتنا به دشنام ها و احتمال خطر اعمال تروریستی به طرف بالامی رفتند. نزدیک ساعت ۲۰ و ۱۲ دقیقه، به گفته شهود و تقریباً آن ها حاصل می کنند. راهنما را هل داده و به دور روزنامه نگار شلیک می کنند. یک گلوله به سروسه گلوله به سینه اولیویه ک منتز اصابت می کند. یک گلوله هم به پشت سروایت.

.....
کرچه رهبری نجات اسلامی (FIS) در خارج، همیشه به قتل رسانیدن روزنامه نگاران را تکذیب نموده ولیکن با این وصف ۹ روزنامه نگار الجزیره ای تاکنون به قتل رسیده اند.
از طرفی، چند روز به کنفرانس ملی



مانورهای ارتش آزادیبخش

امیدایران و فروغ آزادی - ۹۴

هم زمان با ۱۹ بهمن، دوازدهمین سالگرد شهادت مجاهدین قهرمان موسی خیابانی، اشرف رجوی و دیگر رزمندگان مجاهد خلق، ارتش آزادیبخش ملی ایران مبادرت به انجام یک مانور نظامی بزرگ در زمین وهانمود. این مانور بزرگ که در نوار مرزی انجام گرفت، به مدت ۲ شبانه روز ادامه داشت و تماماً با موفقیت کامل همراه بود. همچنین روز ۲۲ بهمن امسال مانور نظامی گسترده ارتش آزادیبخش ملی ایران تحت نظارت خانم عذرا علوی طالقانی، جانشین فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران بانام «فروغ آزادی - ۹۴» آغاز و پس از ۵ روز عملیات نظامی نیروهای موتوریزه و هوایرد، با موفقیت به کار خود پایان داد.

تغییر مسئولین - عقب نشینی رفسنجانی

سرانجام خامنه ای، محمد هاشمی برادر رفسنجانی را برکنار و پاسدار علی لاریجانی را به جای وی به سرپرستی صداوسیما ریژیم منصوب نمود. به دنبال این تغییر رفسنجانی میر سلیم را برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مصطفی هاشمی را به معاون خود و رئیس تربیت بدنی منصوب کرد. تغییر سرپرست صداوسیما آخوند هاکه پس از استیضاح چند ماهه قبل محمد هاشمی توسط مجلس ارتجاع و به دنبال شکست قطعی و نهایی سیاست رفسنجانی صورت می گیرد، یکبار دیگر صحت ارزیابی شورای ملی مقاومت ایران را در مورد سیاست های ریژیم اثبات می نماید. شورای ملی مقاومت ایران اعلام نموده بود که پس از انتخابات چهارمین دوره مجلس ارتجاع و به دنبال جنبش شهرها و مهم ترین آن جنبش مردم دلیر مشهد، دستگاه ولایت فقیه باشکست سیاست های رفسنجانی، عملکرد طبیعی خود را بازمی یابد و چشم انداز ریژیم نه گشایش، بلکه انبساط هر چه بیشتر است.

شورای ملی مقاومت

سوء قصد تروریستی علیه مخالف ایرانی در سوئد را شدیداً محکوم می کند

شورای ملی مقاومت ایران سوء قصد تروریستی علیه یک مخالف ایرانی در سوئد را قویاً محکوم نموده و از دولت سوئد خواستار دستگیری، محاکمه و مجازات عاملان این جنایت می باشد.

شورای ملی مقاومت از دولت سوئد خواستار حفاظت از پناهندگان ایرانی در سوئد و همچنین تعطیلی سفارت و کنسولگری های ریژیم آخوند هاد را این کشور که دست اندرکار جاسوسی و اقدامات تروریستی علیه پناهندگان ایرانی و به ویژه فعالان مقاومت ایران هستند، می باشد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس

۲۸ دی ماه ۱۳۷۲

بیانیه سازمان چریک های فدایی خلق ایران به مناسبت ۱۹ بهمن بیست و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل

هم میهنان، رزمندگان دلیر آزادی، زنان و مردان آزاده، رفقای فدایی

۲۳ سال قبل در شامگاه روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، یک واحد نظامی از سازمان پیشتاز فدایی با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، جنبش مسلحانه انقلابی علیه دیکتاتوری شاه را آغاز و فصل نویی در جنبش کمونیستی ایران گشودند. این اقدام جسورانه در شرایطی صورت گرفت که دیکتاتوری شاه با سرکوب پلیسی، اختناق و سکون در جامعه ایجاد کرده بود و رهبران احزاب سنتی مثل حزب خائن توده به تبلیغ تسلیم، سازش و بی عملی مشغول بودند.

این عمل دلیران فدایی در شرایطی صورت گرفت که محمد رضا شاه با غرور و نخوت، جزیره ثبات و آرامش را به رخ جهانیان و اربابان امپریالیست ریژیم می کشید. رزمندگان دلیر فدایی با درس آموزی از شکست های پی در پی احزاب سنتی، با درس آموزی از تجربه شکست ۲۸ مرداد و خیانت و تسلیم رهبران حزب توده، و با درس آموزی از تجربیات جهانی به این نتیجه منطقی رسیده بودند که در شرایط دیکتاتوری و سرکوب، و در شرایطی که هرگونه راه حل سالمت آمیز به خورده کاری کشیده و نمی توانستند ادامه یابد، یک سازمان رزمنده انقلابی قادر نیست با کار مداوم سیاسی مساله ارتباط با توده ها را حل نماید.

لذا انقلابیون به این نتیجه رسیدند که تنها راه برای ایجاد یک سازمان انقلابی پیشتاز، برای ایجاد یک قطب انقلابی در جامعه و برای ارتباط با توده ها، مبارزه مسلحانه انقلابی است. در آن شرایط سکون و خفقان، زنان و مردان دلیر فدایی با مبارزه پیگیر و انقلابی خود را با نشان دادن بزرگامی به وسیله خون خود برین بست مبارزاتی که با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد و شکست جنبش ملی به رهبری دکتر مصدق آغاز شده بود، غلبه نموده و راه نویی را آغاز کردند. آنان برای آزادی و سوسیالیسم به صحنه مبارزه پیگیرانه ای بخش پناهندان و با خون خود این راه را به ثبات اصولی ترین و تنها راه ثبت و تثبیت نمودند. آنان اعلام کردند که «... اگر خون قدر به بیداری خلق است، بگذار از خون ما در دهان

ای خروشان جاری بشود». رزمندگان دلیر فدایی با حمله به پاسگاه سیاهکل، و پس از آن با عملیات انقلابی دیگر، و اعلام موجودیت سازمان چریک های فدایی خلق ایران، بر خط سازش و تسلیم که به وسیله رهبران خائن حزب توده تبلیغ می شد، خط بطان کشیده و علیرغم کمبودها و اوضاع دشواری که طی پروسه رشدهشت سال خود را انقلاب ۲۲ بهمن مرتکب شدند، به تنها سازمان گسترده و پرنفوذ کمونیستی در ایران تبدیل شدند. کسانی که روزهای تاریخی انقلاب بهمن ماه ۵۷ را به

یاد دارند، گواهی می دهند که سازمان پیشتاز فدایی، تنها سازمان مارکسیستی بود که در ابعاد سراسری نفوذ توده ای و اجتماعی داشت. تداوم کار سازمان چریک های فدایی خلق ایران از رستاخیز سیاهکل تا انقلاب بهمن، نفوذ توده ای و اجتماعی این سازمان و گسترده بودن حیطه عمل آن، نشان داد که خط مشی مبارزه مسلحانه انقلابی تحت شرایط دیکتاتوری، علیرغم اشتباهات، کمبودها و انحرافات سازمان ما، یک خط مشی اساساً درستی بوده است. اما متأسفانه پس از انقلاب بهمن ۵۷ و روی کار آمدن ریژیم ارتجاعی خمینی بنا به علل مختلف، سازمان چریک های فدایی خلق ایران نتوانست در توفان حوادث به طور یکپارچه بر خط مشی انقلابی خود پایدار بماند. ضربات ریژیم شاه به رهبری سازمان ما به ویژه شهادت رفیق کبیر رحیمیداشرف، در سال ۵۵، کشتار رهبران سازمان ما به ویژه رفیق کبیر بیژن جزینی در زندان در فروردین ۵۴، سازمان ما را با فقدان یک رهبری سیاسی روبرو نمود. در حلقه رهبری سیاسی باصلاحیت، نفوذ عناصر فرصت طلب و سازشکار در سازمان بانوجه به شرایط پس از انقلاب، امری عادی گردیده و این مجموعه سبب آن گردید که سازمان ما نتواند به خط مشی اصولی و به یک سازماندهی مناسب و با چشم انداز دست یابد. در این شرایط عناصر فرصت طلب و سازشکار در دست ولایت های سازمان با تکیا به ضد دموکراتیک ترین شیوه ها، سازمان را در مسیر قهقریایی سوق دادند. رهبری جریان اکثریت به ویژه

فرومایه ترین عنصر آن یعنی فرخ نکهدار خائن با ضد دموکراتیک ترین و ضد انسانی ترین شیوه ها، ضمن سازش و تسلیم به ارتجاع حاکم و ستایش از اقدامات «ضد امپریالیستی» خمینی، سبب شلاشی شدن جنبش انقلابی فدایی گردیدند. از طرف دیگر جریان اقلیت به علت همان کمبودهای اساسی جنبش فدایی و نیز سکتاریسم عمیقی که بدان دچار بود، نتوانست به ثباته یک روزنامه و انقلابی در مقابل فرصت طلبان اکثریت قرار گیرد.

توفان ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، اکثریت را به سمت ارتجاع و تأیید سرکوب و اقلیت را با پای لرزان در جبهه انقلاب قرار داد. جریان اصولی درون جنبش فدایی از بن این ترنزلز ها و تناقض ها، با اعلام برنامه (هویت) سازمان چریک های فدای خلق ایران، در تیرماه ۱۳۶۲، اعلام موجودیت نمود و پرچم پرافتخار جنبش فدایی که می رفت تا به وسیله رهبران سازشکار و خیانت کار اکثریت به پرچم تسلیم در مقابل ارتجاع خمینی تبدیل شود را دوباره برافراشت و با وفاداری به راه انقلاب، راه سنت انقلابی جنبش فدایی، چهره واقعی کسانی که می خواهند از نام فدایی در جهت منافع حقیر و خائنه خود سوء استفاده نمایند را هر چه بیشتر افشاء نمود. کسانی که دیروز با سوء استفاده از نام فدایی در مقابل خمینی جلا در سرفروا آوردند، افرادی امثال فرخ نکهدار خائن که دیروز از جلا در ترین حاکم تاریخ ایران ستایش

کرده و او را «مترقی و ضد امپریالیست» می نامیدند و سرکوب نیروهای ترقیخواه به وسیله او را تأیید می کردند و با ارتباط بالا جویدی جلا به شناسایی عناصر انقلابی می پرداختند، امروز به تبلیغ خط «سازش»، «مذاکره» و «بازگشت» در ارتباط مبتدیان و عناصر اطلاعاتی ریژیم که از اعمالان تروریستی از ایرانیان در خارج از کشور هستند، می پردازند. آری چنین افراد فرومایه ای که می خواهند از نام فدایی برای منافع حقیر و زندگی خائنه خود سوء استفاده کنند، به وسیله ما، بشباه پرچمداران راه و روش فدایی هر روز افشاء و میدین وسیله سازمان رزمنده فدایی بشباه جریان اصولی مارکسیستی - لنینیستی هر چه بیشتر در توری و عمل آبدیده می شود.

هم میهنان، زنان و مردان مبارز آزاده، رفقای فدایی، جنبش مقاومت ایران با گام های استوار و سنجیده

در راه سرنگونی ریژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برای تحقق ایرانی آزاد، مستقل و دموکراتیک به پیش می رود. سازمان ما در راه مبارزه برای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم، وظیفه خود دانسته و می دانند که از مقاومت سازمان یافته ایران که خود را متعهداً در شورای ملی مقاومت ایران نشان می دهد، حمایت و پشتیبانی کامل نموده و این جنبش دموکراتیک و مردمی را سرای سرنگونی دیکتاتوری مذهبی حاکم بر ایران، بیش از پیش نفیث نماید. مادر آغاز بیست و چهارمین سال رستاخیز سیاهکل یک بار دیگر اعلام می کنیم که بشباه اصولی ترین و انقلابی ترین جریان مارکسیستی - لنینیستی ایران، بشباه جریانی که در طول حیات خود به مارکسیسم نه بشباه شریعت «جامه» بلکه بشباه «رهنمود» عمل وفادار بوده، بشباه جریانی که نه به دنبال فطرت های جهانی، بلکه در خدمت منافع عالی مردم ایران و به ویژه کارگران و زحمتکشان ایران بوده، تا سرنگونی ریژیم ارتجاعی ولایت فقیه و استقرار صلح و آزادی و دموکراسی که خودگامی در جهت استقرار یک جامعه پیشرفته، دموکراتیک، مستقل و سوسیالیستی است، به پیکار ادامه خواهیم داد. راهی که رزمندگان فدایی آغاز کردند، راه رهایی مردم ایران، راه رهایی کارگران و زحمتکشان ایران در راه تحقق دموکراسی، عدالت اجتماعی و پیشرفت و ترقی است. با درود به شهیدای قهرمان فدایی که آغازگر چنین راهی بودند، سالگرد رستاخیز سیاهکل را گرامی می داریم و به همه رزمندگان دلیر راه آزادی، به همه زنان و مردانی که در شرایط دیکتاتوری خمینی در راه صلح و آزادی به شهادت رسیدند، درود می فرستیم.

هرچه گسترده تر باشد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی ریژیم خمینی جاویدان باد خاطره تمامی شهدای خلق گرامی باد خاطره شهدای رستاخیز سیاهکل پیروز باد شورای ملی مقاومت ایران سازمان چریک های فدایی خلق ایران

اخبار و رویدادها.....

آخرین گزارش

گالیندویل

گزارش نهایی آقای ریئالدو گالیندویل، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد روز ۲۹ بهمن امسال منتشر شد. این گزارش به اجلاس جاری کمیسیون حقوق بشر ملل متحد ارائه شده و حاوی نکات بسیار مهمی پیرامون سرکوب مردم ایران است. به دنبال انتشار این گزارش آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران اعلام نمود که: «با انتشار این گزارش اکنون وجدان جامعه بین المللی در مقابل وظیفه خطیر خود برای اتخاذ اقدامات عملی علیه دیکتاتوری تروریستی - مذهبی ملایان قرار گرفته است. تجربه نشان داده است که این رژیم تهازیبان زورامی فهد و بر کمیسیون حقوق بشر ملل متحد است که به عنوان ارکان ذیصلاح عالی ترین مرجع بین المللی در این راه پیشقدم شود. لازم به تذکر است که اجلاس جاری کمیسیون حقوق بشر ملل متحد از روز ۱۱ بهمن امسال در ژنو آغاز به کار کرد و در یکی از اولین تصمیم های خود آقای خوزه آیالاسوکه یک حقوق دان برجسته اهل اکوادور و از چهره های شناخته شده حقوق بشر است رابه عنوان نخستین کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد تعیین کرد. نمایندگان مقاومت ایران در جریان اجلاس اخیر که هنوز ادامه دارد به طور فعال برای صدور یک قطعنامه علیه رژیم به افشاکاری دست می زنند.

تظاهرات ضد بنیادگرایی در ترکیه

روز ۲ بهمن امسال هزاران نفر در آنکارا، به مناسبت سالگرد ترور نویسنده ترک اوغور موجود دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان که بنابه گزارش خبرگزاری فرانسه

شکست برنامه اول

روزنامه رسالت در شماره ۱۹ بهمن امسال خود به ارزیابی از عملکرد برنامه پنج ساله اول رژیم می پردازد. بر طبق این گزارش قرار بوده که طی چهار سال اول برنامه در بخش صنعت ۱۹/۸۰۶ میلیارد دلار سرمایه گذاری نقدی صورت گیرد که در عمل به ۲۱/۵۵۷ میلیارد دلار بالغ شده است. در این ارزیابی گفته شده که قرار بوده رشد صنعت در زمینه سرمایه داری و واسطه ای به ترتیب ۲۰ و ۲۲ درصد باشد که در عمل ۵/۹ و ۲/۶۵ درصد بوده. در عرض صنایع مصرفی که قرار بوده رشدی برابر ۲/۲ درصد داشته باشند. ۲۸/۸ درصد رشد داشته اند.

اخریان مزدوران رژیم

باتوجه به آمارهای مختلف رقمی در حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد مواد مختلف غذایی در نتیجه ضعف امکانات تبدیلی و نگهداری ضایع می شود. یعنی غذای ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر در اثر ضایعات نابود می گردد. شایسته نماینده ارتجاع از گلپایگان و خوانسار - رسالت ۲۰ دی/۷۲

سنگ پای قزوین

دولت یابانک مرکزی ایران یک شاهی هم به هیچ کشوری شرکتی بدهکار نیست. بلکه این شرکت های خصوصی و بانک های تجاری ایران می باشند که بدهی خارجی دارند.

عدلی - رسالت ۲۹ دی/۷۲
مامشکل کرانی نداریم، مشکل ارزانی داریم.
رفسنجانی - سلام ۷ بهمن/۷۲

۲۰ هزار نفر برآورد شده اند از موجودیه عنوان شهید دموکراسی، یاد می کردند و شعارهایی علیه بنیادگرایی می دادند. شعارهایی همچون «مرگ بر حزب الله، مرگ بر ملاحای ایران، و...» خبرگزاری فرانسه در همین روز گزارش نمود که یک هلی کوپتر به طور مرتب جمعیت تظاهرکننده را گلباران می کرد و تظاهرکنندگان فریادی زدند: «ترکیه غیر مذهبی است و غیر مذهبی باقی خواهد ماند». ملاحای برای ایران، بنیادگرایان برای ایران.»

لغویک پروژه

روزنامه تایمز مالی در شماره ۲۹ دی امسال خود اعلام کرد که پروژه ۷۹۱ میلیون دلاری که قرار بود توسط یک کنسرسیوم ایتالیایی، ژاپنی و روسی در حوزه گازپارس جنوبی انجام شود، به دلیل تصمیم سازمان تضمین اعتبار صادرات ایتالیا (اساس) که حاضر به حمایت از این معامله نشد، منتفی اعلام شد. ساس از ادامه تحت پوشش قرارداد معاملات برای ایران خودداری می کند.

دیپریکل جدید حزب کمونیست فرانسه

بیست و هشتمین کنگره حزب کمونیست فرانسه در روز ۹ بهمن امسال پس از ۵ روزه کار خود پایان داد. در این کنگره مهم ترین تصمیم انتخاب یک دیپریکل جدید به جای ژرژ مارش بود. اکثریت شرکت کنندگان در کنگره که تعداد آنان ۱۵۸۱ نفر گزارش شده، آقای روبرت جی رابه دیپریکل حزب انتخاب نمودند. وی از چهره های سرشناس حزب کمونیست فرانسه است.

NABARD-E-KHALGH
Organ of the organization
of Iranian People's Fedaian Guerillas

N°:105 20 Feb 1994

Nabard B.P 20, 91350 Grigny Cedex France	Hoveyat P.O Box 1722 Chantilly, VA 22020 U.S.A
P.L.K Nr. 039999 D 5000 Kohn I Germany	Nabard Casella Postale, 307 65100 Pescara Italia
Hoviat Post Restante Mimers Gade 118 2200 <u>N</u> Danmark	Price: 6 F

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید.

هم میهنان مبارز:

سازمان ما برای مبارزه علیه رژیم خمینی و در تلاش برای ایجاد ایران آزاد، مستقل و دموکراتیک به کمک های مالی شما، به هم میزبان که باشد، نیازمند است. شما می توانید کمک های مالی خود را به حساب بانکی نبرد خلق واریز کنید و یا مستقیماً دست ما برسانید.

حساب بانکی نبرد خلق

نام بانک: SOCIETE GENERAL.....
آدرس بانک: BOULOGNE-S-SEINE(FRANCE).....
کد گیشه: 03760.....
شماره حساب: 00050097851
نام صاحب حساب: Mme. TALLAT R.T.....

اطلاعیه

دراوانل سال میلادی جدید جمعی از اعضای سازمان چریک های فدایی خلق ایران نشستی رادرشهر واشنگتن دی سی امریکا برگزار نمودند. در این نشست مسایل اساسی انقلاب، وضعیت رژیم، اوضاع اپوزیسیون وموقعیت سازمان به طورگسترده موردبحث وبررسی قرارگرفت وپس ازسه روزباموفقیت به کارخودخاتمه داد.

اساسی ترین تصمیمات این نشست عبارتنداز:

- ۱- اعلام موجودیت کمیته امریکا- کانادای سازمان چریک های فدایی خلق ایران وتحدیدبازسازی وسازماندهی تشکیلات سازمان درنقاط مختلف درامریکا وکانادا
- ۲- تاکیدبرادامه راه مبارزه مسلحانه درجهت سرنگونی رژیم ضدبشری حاکم درایران، به عنوان اصلی ترین محورمبارزاتی درشرایط کنونی جامعه ما.
- ۳- حمایت ازالترناتیو دمکراتیک شورای ملی مقاومت ورنیس جمهورمنتخب آن.
- ۴- طردوافشای سیاست بازگشت ایرانیان خارج کشوربه دامن دیکتاتوری حاکم برایران.
- ۵- محکوم نمودن اقدام اخیردولت فرانسه درجهت رهاکردن دوتورریست رژیم خمینی .

سازمان چریک های فدایی خلق ایران کمیته امریکا - کانادا

۱۹۹۴ - / ۱۵ / ژانویه

شلیک به رفسنجانی وتظاهرات دلیرانه مردم زاهدان

روزسه شنبه ۱۲ بهمن امسال، دراوین روزبرگزاری مراسم ده فجرکه رژیم به مناسبت سالروزانقلاب ۲۲ بهمن برگزارمی کند، ۶ گلوله به سمت رفسنجانی شلیک شد. گرچه رفسنجانی ازاین اقدام جسورانه جان بدربرد، اماجشن های رژیم کاملاً به هم ریخت بویژه آن که هم زمان بااین اقدام، مردم قهرمان زاهدان نیزباتظاهرات گسترده خود، تنفروانزجارشان رازرژیم ملاهابرازداشتند. به دنبال این تظاهرات گسترده، مردم مناطق دیگری ازجنوب شرقی کشور، بانجام تظاهرات اعتراضی، خشم وتنفرخودرانسبب به رژیم نشان دادند. بلافاصله پس ازاین تظاهرات گسترده آقای مسعودرجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران مردم سایرشهرهای ایران رابه همبستگی بامردم قهرمان زاهدان فراخواند. همچنین مسئول شورای ملی مقاومت ایران طی یک پیام دیگرضمن قدردانی ازمقاومت شجاعانه مردم زاهدان، ایرانشهر، بیرجند، تربت جام، خاش وزابل تاکیدکرد که تظاهرات مردم زاهدان پاسخ دندان شکنی به رژیم آخوندی درسالروز ورودخمینی دجال به ایران بودویساض خیمه شب بازی هاونمایش های تنفرانگیزرژیمخمینی درسالگردبه حکومت رسیدن این رژیم رابه هم زد.

شبانہ

برای اعدام شدگان اسفند ۱۳۵۰

احمد شاملو

اگر که بیهده زیباست شب
برای چه زیباست

شب

برای که زیباست؟

شب و

رود بی انحنای ستارگان

که سرد می گذرد .

و سوگواران دراز گیسو

بر دو جانب رود

یاد آورد کدام خاطره را

با قصیده نفسگیر عوکان

تغزیتی می کنند

به هنگامی که هر سپیده

به صدای همواوز دوازده گلوله

سوراخ

می شود ؟



در برابر تندر می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میرند

شهادای فدایی اسفندماه

رفقا: رحیم سمعی - مهدی اسحاقی - مسعوداحمدزاده - عباس مفتاحی - اسدالله مفتاحی - مجیداحمدزاده - مهدی سوالونی - حمیدتوکلی - غلامرضاگلوی - بهمن آژنگ - سعیدآریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - مناف فلکی - علی رضا نابدل - یحیی امین نیل - جعفراردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغرعرب هریری - اکبرمویذ - علی تقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبرصفایی - فراهانی - جلیل انفرادی - اسکندرحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شماع الدین مشیدی - هادی بنده خدالنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث تندچی - غفورحسن پور - هوشنگ نیری - ناصرصیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضاگلالترنیستانکی - احمدغلامیان لنگرودی(هادی) - محمدرضابهبکیش - نظام - حمیدآزادی - عباس - جعفرنجه شاهی - محمدعلی معتمد - جوادغفوریان - جلیل خواری نسب - سعیدعقیقی - علی خلیقی - عبدالرحیم صیوری - تیمورستاری - منصورسعیدی - اقبال طاهرخو - بهاءالدین نگهداری - خسروقره داغی - سیروس فردوس - ناصرنجم الدینی - مجتبی خرم آبادی - منصوره حبیبی زاده . طی سال های ۲۹ تاکنون درمبارزه علیه امپریالیسم وارنجاج، درمبارزه علیه رژیم های شاه وخمینی ویرای تحقق دمکراسی وسوسیالیسم به شهادت رسیدند.

برخی از رویدادهای تاریخی

اسفندماه

داخلی:

۱۲۹۹/۲/۳ - انجام کودتای امپریالیستی - انگلیسی توسط رضاخان باهمکاری سیدضیاء الدین طباطبایی
۱۳۲۹/۱۲/۲۹ - روزملی شدن صنعت نفت
درسراسرکشور
۱۳۳۱/۱۲/۹ - شکست کودتای دربارشاه ونوکراش
آخوندبهبهانی، آخوندکاشانی و دکترنقیایی علیه دولت ملی دکترمصدق
۱۳۳۲/۱۲/۲۴ - به آتش کشیدن کریم پورشیروزی، روزنامه نگارمترقی توسط مزدوران رژیم محمدرضاشاه
۱۳۳۴/۱۲/۷ - درگذشت علی اکبردهخدا، نویسنده وادیب بزرگ ومؤلف لغت نامه دهخدا
۱۳۲۷/۱۲/۱۷ - امضاء قرارداددوجانبه نظامی باامریکا توسط رژیم محمدرضاشاه
۱۳۴۴/۱۲/۱۴ - درگذشت دکترمحمدمصدق
۱۳۴۸/۱۲/۱۱ - تظاهرات مردم تهران در رابطه باآتوبوس رانی
۱۳۵۴/۱۲/۳ - شهادت مجاهدخلق، سرگردمحبی افسرانقلابی ارتش
۱۳۵۷/۱۲/۲۸ - یورش به مردم سنج و آغازسرکوب جنبش مردم کردستان توسط رژیم خمینی
۱۳۵۸/۱۲/۲۴ - برگزاری انتخابات دوره اول مجلس شورای ازانقلاب
۱۳۵۸/۱۲/۲ - اعلام خبرشهادت چهارستاره خلق ترکمن نوماج، مختوم، واحدی وجرجانی در صفحه ۸

اسفندماه

